

فضائل اهل بیت علیهم السلام
و منزلت والای آنان
از دیدگاه اهل سنت

تألیف:

عبدالمحسن بن حمد العباد البدر

مترجم:

عبدالله حیدری

پاییز ۱۳۸۳ شمسی

عنوان کتاب: فضائل اهل بیت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت
نویسنده: عبدالمحسن بن حمد العباد البدر
ترجمه: عبدالله حیدری
موضوع: بررسی مسائل و روابط میان اهل بیت و صحابه
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....أ

مقدمه ١

یاد داشت مترجم ٣

دوستاناران واقعی اهل بیت ٣

گواهی تاریخ..... ٤

مسلمانان بدانند ٤

درباره این کتاب ٥

فصل اول: اهل بیت کیست؟ ٩

تعریف شامل ٩

پسر عموهای پیامبر ﷺ ٩

همسران پیامبر ﷺ ١٠

دفع يك اشكال ١١

دفع يك اشكال ديگر ١٢

يك مثال ١٢

دلایلی بر دخول ازواج مطهرات در اهل بیت ١٣

دلایلی ديگر ١٥

فصل دوم: خلاصه عقیده اهل سنت و جماعت درباره اهل بیت... ١٧

- اعتدال در عقیده ۱۷
- يك قاعدة مهم ۱۷
- شرح حدیث ۱۸
- يك شعر جالب! ۲۰

فصل سوم: فضائل اهل بیت در قرآن کریم ۲۱

- فضائلی دیگر برای مادران مؤمنان ۲۲
- قول صحیح در تفسیر آیه ۲۳
- نظر ابن عباس ۲۳
- نظر ابن کثیر ۲۳
- تفسیر نا درست ۲۴

فصل چهارم: فضائل اهل بیت در سنت مطهر ۲۵

- حدیث عایشه صدیقه در فضیلت اهل بیت ۲۵
- حدیث سعد بن ابی وقاص در فضیلت اهل بیت ۲۶
- حدیث زید بن ارقم در فضیلت اهل بیت ۲۶
- اینجا به چند نکته باید اشاره کنیم: ۲۸
- يك مقایسه ۲۹
- انگیزه ازدواج عمر با دختر علی و فاطمه ۲۹
- درود بر مادران مؤمنان ۳۰
- يك توضیح لازم ۳۰
- تحلیلی از ابن قیم ۳۰

فصل پنجم: مقام شامخ اهل بیت از دیدگاه صحابه و تابعین ... ۳۳

- دیدگاه ابو بکر صدیق ۳۳

- اولین سند افتخار: ۳۳
- دومین سند افتخار: ۳۳
- سومین سند افتخار: ۳۴
- دیدگاه عمر فاروق و عثمان ذی النورین رضی الله عنهما ۳۴
- توسل جایز: ۳۴
- منظور چیست؟: ۳۵
- یک پرسش پاسخ آن: ۳۵
- این است محبت و ارادت: ۳۶
- عدالت فاروقی و حب اهل بیت: ۳۶
- نمونه‌ی دیگری از حب و اکرام اهل بیت: ۳۶
- باز هم افتخار: ۳۷
- احترام فوق العاده‌ی عمر و عثمان به اهل بیت: ۳۷
- دیدگاه عمر بن عبدالعزیز: ۳۸
- قدر شناسی: ۳۸
- دیدگاه ابوبکر ابن شیبیه: ۳۸
- گوهر شناسی: ۳۸
- دیدگاه شیخ الاسلام ابن تیمیه: ۳۸
- سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: ۳۹
- دیدگاه اهل سنت: ۳۹
- حقوق اهل بیت: ۴۰
- دیدگاه امام ابن قیم: ۴۱
- دیدگاه حافظ ابن کثیر: ۴۲
- الگو برداری در حب اهل بیت: ۴۳
- دیدگاه حافظ ابن حجر: ۴۳

- ۴۳..... قدر زر زرگر شناسد:
- ۴۴..... دیدگاه شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب.....
- ۴۴..... شکر و سپاس الله:
- فصل ششم: ستایش بعضی علماء از عده‌ای صحابه اهل بیت.... ۴۷**
- ۴۷..... عباس ابن عبدالمطلب علیه السلام (عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم).....
- ۴۷..... حمزه ابن عبدالمطلب علیه السلام (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم).....
- ۴۸..... علی ابن ابی طالب (امیر المؤمنین علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم).....
- ۴۸..... احترام عایشه به علی:
- ۴۸..... فضایل مستند علی:
- ۴۹..... شناخت علی:
- ۴۹..... به ترتیب فضیلت:
- ۴۹..... افراط و تفریط در حب علی:
- ۵۰..... پرچم‌دار اسلام علی:
- ۵۰..... احترام ابوبکر و عمر به علی:
- ۵۱..... احترام علی به ابوبکر و عمر:
- ۵۱..... دیدگاه اهل سنت نسبت به علی:
- ۵۲..... فرزندان علی:
- ۵۲..... حسن ابن علی علیه السلام (نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم).....
- ۵۲..... مصلح امت حسن:
- ۵۲..... گل خوشبوی پیامبر حسن:
- ۵۳..... دلسوز امت حسن:
- ۵۳..... ستایش از حسن:
- ۵۴..... احترام ابوبکر و عمر به حسن:
- ۵۴..... حامی عثمان حسن:

- ۵۴ حسین بن علی علیه السلام (سبط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۵۴ عابدی خداجو:
- ۵۴ افتخار شهادت:
- ۵۵ ستایش از حسین:
- ۵۵ احترام خلفای راشدین به حسین:
- ۵۶ عبدالله بن عباس رضی الله عنه (پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۵۶ تجلیل عمر از ابن عباس:
- ۵۷ ستایش از ابن عباس:
- ۵۷ عالمی بی نظیر:
- ۵۸ مفسر قرآن:
- ۵۸ جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه (پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۵۸ مهمان نوازی جعفر:
- ۵۹ فضیلت جعفر:
- ۵۹ جعفر تاج مجاهدین!:
- ۵۹ جعفر پدر مساکین:
- ۶۰ پرواز جعفر در بهشت!:
- ۶۰ احترام ابن عمر به جعفر:
- ۶۰ جعفر در رکاب جبرئیل:
- ۶۱ عبدالله پسر جعفر رضی الله عنه (پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)
- ۶۱ در آغوش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:
- ۶۱ ستایش از پسر جعفر:
- ۶۲ ابان اموی پیش نماز جنازه پسر جعفر اهل بیت!:
- ۶۲ دیگر صحابه‌ی رسول الله

فصل هفتم: ستایش بعضی علماء برگروھی از صحابیات اهل بیت

۶۵.....

۶۵ فاطمه زهراء علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۶۵..... ستایش عایشه از فاطمه:

۶۵..... شخصیت فاطمه:

۶۶..... القاب منحصر به فرد فاطمه:

۶۶ أم المؤمنین خدیجه بنت خویلد علیها السلام

۶۷..... مقایسه ای بین دو مادر مؤمنان:

۶۸ أم المؤمنین عائشه صدیقه علیها السلام

۶۸..... عالم ترین زن جهان عایشه!

۶۸..... زنی که قرآن صداقتش را اعلان کرد!

۶۸..... خصایص منحصر به فرد عایشه:

۷۰ أم المؤمنین سوده بنت زمعه علیها السلام

۷۰..... زنی فداکار:

۷۰..... ویژگی سوده:

۷۱ أم المؤمنین حفصه بنت عمر فاروق علیها السلام

۷۱ رقابت در محبت پیامبر:

۷۱ أم المؤمنین ام سلمه هند بنت ابی امیه علیها السلام

۷۱ زنی فقیه و اندیشمند:

۷۱ مشاور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۷۲ أم المؤمنین زینب بنت خزیمه هلالی علیها السلام

۷۲..... مادر مساکین:

۷۲ أم المؤمنین جویریة بنت الحارث علیها السلام

- زنی با برکت: ۷۲
- أم المؤمنین صفیه بنت حبیب رضی الله عنها ۷۲
- زنی از تبار پیامران: ۷۲
- ویژگی صفیه: ۷۳
- أم المؤمنین ام حبیبه رمله بنت ابی سفیان رضی الله عنها ۷۳
- جایگاه ام حبیبه: ۷۴
- أم المؤمنین میمونه بنت حارث رضی الله عنها ۷۴
- پرهیز گارترین زن! ۷۴
- أم المؤمنین زینب بنت جحش رضی الله عنها ۷۴
- زنی که وکیلش خداوند بود! ۷۴
- صفیه بنت عبدالمطلب عمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۷۵
- مادر زبیر حواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ۷۵
- دیگر صحابیات اهل بیت رضی الله عنهن ۷۶

فصل هشتم: ستایش بعضی علماء برگروهی از تابعین و غیر

- تابعین اهل بیت رضی الله عنهم ۷۷
- ۱- محمد بن حنفیه ۷۷
- شخصیتی فاضل: ۷۷
- راوی معتمد: ۷۷
- عالمی پرهیزگار: ۷۷
- ۲- علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه (امام زین العابدین) ۷۸
- شخصیتی والا: ۷۸
- عالمی فرهیخته: ۷۸
- عابدی محبوب: ۷۸

۳- محمد بن علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب رحمته الله (امام باقر) ۷۹

شيفته علم و دانش: ۷۹

پاره کننده علم! ۷۹

شخصیتی جامع: ۸۰

۴- جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب رحمته الله (امام صادق) ۸۰

..... ۸۰

بزرگواری صادق: ۸۱

استاد علماء: ۸۱

فقيه مدینه: ۸۱

۵- علی بن عبدالله بن عباس رحمته الله ۸۱

زیباترین جوان قریش: ۸۲

عالمی با عمل: ۸۲

فصل نهم: مقایسه بین عقیده اهل سنت با دیگران پیرامون اهل

بیت اهل سنت ۸۳

دیگران: ۸۳

نمونه ای از غلو و افراط: ۸۳

عناوین چند باب کتاب کافی: ۸۴

غلو و افراط علمای معاصر: ۸۷

فصل دهم: حرام بودن اینکه کسی خود را به دروغ به اهل بیت

نسبت دهد ۸۹

یک مثال جالب! ۸۹

دروغگوی دوزخی! ۸۹

بزرگترین دروغ! ۹۰

۹۰ یک پرسش؟

۹۱ پاسخ آن

۹۳ سخن آخر

مقدمه

الحمد لله، نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله الا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله وسلم وبارك عليه وعلى آله وأصحابه، ومن سلك سبيله، واهتدى بهديه اى يوم الدين. اما بعد:

از آنجائیکه «منزلت اهل بیت» پیامبر ﷺ از دیدگاه صحابه و تابعین و پیروان صادق آنان اهمیت فوق العاده‌ای را دارا بوده و هست، شانزده سال پیش در تالار عمومی دانشگاه اسلامی مدینه‌ی منوره پیرامون این موضوع سخنرانی‌ای ایراد کرده بودم، که اینک مناسب دیدم در این باره کتابچه‌ی مختصری بنگارم که آن را «فضل أهل البيت وعلو مكانتهم عند أهل السنة و الجماعة» نامیدم. این کتابچه مشتمل بر ده فصل است.

فصل اول: اهل بیت کیست؟

فصل دوم: عقیده اهل سنت درباره‌ی اهل بیت.

فصل سوم: فضائل اهل بیت در قرآن کریم.

فصل چهارم: فضائل اهل بیت در سنت مطهر.

فصل پنجم: منزلت اهل بیت از دیدگاه صحابه و تابعین و پیروان صادق آنان.

فصل ششم: ستایش جمعی از علماء از عده‌ای صحابه‌ی اهل بیت.

فصل هفتم: ستایش جمعی از علماء از عده‌ای صحابیات اهل بیت.

فصل هشتم: ستایش جمعی از علماء از عده‌ای تابعین و دیگر اهل بیت.

فصل نهم: مقایسه عقیده‌ی اهل سنت با دیگران پیرامون اهل بیت.

فصل دهم: حرام بودن اینکه کسی به دروغ خودش را به اهل بیت نسبت دهد.

یکم ربیع الثاني ۱۴۲۲ هـ

مؤلف

یاد داشت مترجم

ای اهل بیت رسول الله ﷺ محبت شما
فرضی است از خداوند که در قرآن نازل فرموده
همین افتخار بزرگ برای شما کافی است که
هرکس بر شما درود نفرستد نمازش درست نیست

دیوان امام شافعی رح (ص ۱۰۶)

خواننده‌ی گرامی ضمن عرض سلام، برای شما و سایر مسلمین جهان آرزوی
سعادت و خوشبختی دائم می‌کنم، به امید آنکه همواره در تلاش حقیقت‌کوشا و
جدی باشید.

دوستداران واقعی اهل بیت

برای کسانی که در پی حق و تلاش حقیقت‌اند روشن‌تر از روز است که اهل
سنت نه تنها دشمن اهل بیت پیامبر نبوده و نیستند که مدافعان و جان‌نثاران واقعی
اهل بیت - رضوان الله علیهم اجمعین - بوده‌اند و خواهند بود.

چگونه ممکن است کسی مسلمان باشد بلکه دوستدار و پیرو سنت پیامبر ﷺ
باشد اما با اهل بیت گرامی‌اش بد باشد! یا خدای نکرده کینه داشته باشد! کلا و
حاشا، اگر چنین کسی پیدا شود در مسلمانی‌اش باید شک کرد، اهل سنت به لطف
خداوند مهربان اولین دوستداران و مدافعان حقیقی اهل بیت بوده‌اند و خواهند بود،
و این امر بسیار روشن‌تر از آن است که نیازی به اثبات و برهان داشته باشد.

گواهی تاریخ

کافی است اشاره کنیم که یکی از اولین مدافعان حقیقی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله امام أبو عبدالله احمد بن شعیب نسائی رحمته الله (ت ۳۰۳ هـ) صاحب سنن نسائی یکی از شش کتاب حدیث بزرگ اهل سنت است.

در خیرالقرون هنگامیکه نواصب و خوارج علیه اهل بیت توطئه می چیدند و از آنان به بدی یاد میکردند این امام بزرگوار اهل سنت قلم برداشت و کتاب مستند خصائص علی را نگاشت و بخاطر آن در دمشق بقدری کتک خورد که در دفاع از اهل بیت جام شهادت نوشید. چه افتخاری بالاتر از این که کسی بخاطر دفاع از اهل بیت پیامبرش صلی الله علیه و آله قربانی جهل و تعصب گردد؟.

مسلمانان بدانند

شایسته است برادران و خواهران مسلمان ما بدانند که هیچ کتاب اهل سنت بویژه کتابهای عقیدتی و حدیثی ما از فضائل اهل بیت علیهم السلام خالی نیست بلکه به اعتراف خود علمای شیعه آنقدر فضائلی که دربارهی اهل بیت درکتب اهل سنت وجود دارد در کتب شیعه نیست و امروز هم علمای اهل سنت دهها و شاید صدها کتاب مستقل در این زمینه نگاشته‌اند، و انشاءالله تا قیامت هم ادامه خواهد داشت. اول تصمیم بر آن بود که کتاب مهم دکتر سلیمان سحیمی که تز دکترای وی از دانشگاه اسلامی مدینه منوره بود «العقیده فی أهل البيت بین الإفراط والتفریط» را ترجمه کنم اما بدلیل کمبود وقت جرئت نکردم شروع کنم، لذا رساله مختصر شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد البدر را به لطف خداوند شروع کردم و اینک خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم می‌دارم.

امیدوارم خداوند آن را وسیله‌ای قرار دهد که اختلاف بین امت اسلامی کمرنگ‌تر گردد، و رفته رفته با تلاشهای مستمر داعیان و مخلصان حقیقی وحدت

امت اسلامی انشاءالله تخم اختلاف برای همیشه از بین برود و ریشه آن قطع گردد، تا باشد که امت متحد و یکپارچه اسلامی مان در برابر دشمنان اسلام با توانمندی هر چه بیشتر بتواند قد علم کند و به کوری چشم همه بدخواهان اسلام، ثابت کند که می‌تواند با دانش و بینش، راه خودش را پیش گیرد و شکار توطئه‌های آنان نگردد.

درباره این کتاب

چند مطلب در رابطه با این کتاب باید خدمت خوانندگان عزیز به عرض برسانم: اول: اینکه سبک نگارش مؤلف محترم در نوشتن این کتاب سبک خاص خودشان است و نه سبک معمول، لذا اجازه ندادند که ما از پاورقی استفاده کنیم! دوم: مترجم عقیده داشت که این بحث باید گسترده‌تر انجام گیرد و با استفاده از منابع بیشتری به آن پرداخته شود و این کار را هم کرد و مطالبی بیشتری تهیه نمود اما از آن جائیکه برای تکمیل آن زمان بیشتری لازم بود و مؤلف محترم اصرار داشتند که کتاب زودتر چاپ شود لذا نتوانستیم آن مطالب را به کتاب اضافه کنیم که انشاءالله امیدواریم در فرصت مناسب این کار انجام گیرد.

سوم: جز عناوین بزرگ کتاب یعنی فصلها و بعضی عناوین دیگری که مترجم با گذاشتن ستاره ای در سمت راست آنها چه در داخل کتاب و چه در فهرست، آنها را متمایز کرده بقیه تیتراهای کتاب از مترجم است قابل ذکر است که منظور از گذاشتن این تیترا در واقع کمک به خواننده است تا از روند نسبتاً طولانی مطالب خسته نشود و مطالب بهتر در ذهن جای گیرد، لذا در بعضی موارد تیتراها نزدیک به هم قرار گرفته که ممکن است برای خواننده عزیز سؤال برانگیز باشد عذر همان است که عرض کردیم. «والعذر عند کرام الناس مقبول».

چهارم: این کتاب در واقع همچنانکه از نام آن پیداست علاوه از بیان دیدگاه اهل سنت نسبت به اهل بیت یا خاندان نبوت رضی الله عنهم اجمعین، و علاوه از جلب توجه به این حقیقت روشن که اهل بیت منحصر به دوازده یا چهارده نفر نیست: دفع یک شبهه یا اتهام است که گویا اهل سنت با اهل بیت نعوذ بالله دشمن هستند، لذا اگر احیاناً اشاره‌ی گذرایی به فرقه یا فرقه‌های دیگری شده صرفاً از باب مقایسه است و مؤلف محترم هرگز قصد توهین به کسی را نداشته است.

پنجم: مترجم در برگردان این مطالب ضمن رعایت امانت سعی کرده از تعبیراتی استفاده کند که به وحدت امت اسلامی و نزدیک کردن دیدگاهها به یکدیگر و از بین بردن سوء تفاهمات کمک کند، تا اگر نتوانستیم در کوتاه مدت به وحدت حقیقی در پرتو کتاب و سنت برسیم، ان شاء الله بتوانیم اختلافات و سوء تفاهمات را به حد اقل ممکن کاهش دهیم.

ششم: مترجم در رابطه با متن کتاب بنابر نیازی که احساس می‌کرد مطالب و توضیحاتی تهیه کرده بود و تصمیم داشت آن را در مقدمه کتاب بگنجانند، اما مؤلف محترم بدون اینکه از جزئیات موضوع که صد در صد همگام و موافق با دیدگاههای ایشان بود اطلاع داشته باشد یا بخواهد اطلاع حاصل کند با این امر مخالفت نمود، لازم به تذکر است که انگیزه مخالفت ایشان فقط احتیاط است، زیرا چند سال پیش مترجم یکی از کتابهای ایشان به زبانی دیگر، مطالبی بر خلاف متن کتاب درج و چاپ کرده بود که باعث ناراحتی مؤلف محترم گردیده بود، لذا ایشان محتاط است و ظاهراً به هیچ کس اعتماد ندارد.

بنابراین، ما به دیدگاه ایشان احترام گذاشتیم و جز چند یادداشت مهم بقیه مطالب را حذف کردیم.

خدا نگهدار

عبدالله حیدری

عید فطر ۱۳۸۳ شمسی

فصل اول:

اهل بیت کیست؟

تعریف شامل

بنابر قول صحیح اهل بیت کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است، که عبارتند از همسران، فرزندان و هر زن و مرد مسلمانی که از نسل عبدالمطلب باشد. مثل بنی هاشم ابن عبدمناف.

ابن حزم در جمهرة أنساب العرب (ص ۱۴) می فرماید:

«هاشم ابن عبدعناف فرزندی به نام شیهه داشت که همان عبدالمطلب است و محور خاندان او همین شیهه است و برای هاشم جز از طرف عبدالمطلب نسل دیگری باقی نمانده است».

توضیح بیشتر جزئیات خاندان عبدالمطلب را در کتابهای ذیل می توانید ملاحظه فرمائید.

جمهره انساب العرب از ابن حزم ص ۱۴ و ۱۵ و التبیین فی انساب القرشیین از ابن قدامه ص ۷۶ و منهاج السنه از ابن تیمیه ۳۰۴/۷ و ۳۰۵ و فتح الباری از ابن حجر ۷۸/۷ و ۷۹.

پسر عموهای پیامبر ﷺ

دلیل اینکه پسر عموهای حضرت رسول ﷺ در اهل بیت ایشان داخل هستند این روایت صحیح مسلم است (شماره ۱۰۷۲) که عبدالمطلب ابن ربیعہ ابن الحارث ابن عبدالمطلب می فرماید:

او و فضل ابن عباس خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتند و از ایشان خواستند که آنها را در بیت المال استخدام فرماید تا اینکه بتوانند از حقوقی که از این راه بدست می‌آورند ازدواج کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَنْبَغِي لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا مَا هِيَ أَوْسَاخُ النَّاسِ»

«برای آل محمد صدقه مناسب نیست زیرا که صدقه چرك مال مردم است.»

آنگاه دستور دادند که آنها ازدواج کنند و مهرشان را از سهم خمس پرداختند.

بعضی علماء از جمله امام شافعی و امام احمد، بنی مطلب بن عبد مناف را در تحریم صدقه به بنی‌هاشم ملحق کرده‌اند، به دلیل اینکه در گرفتن سهم خمس الخمس با هم شريك بودند، زیرا در حدیثی که امام بخاری در صحیحش (شماره ۳۱۴۰) از جبیر ابن مطعم روایت می‌کند آمده است که:

«پیامبر صلی الله علیه و آله به بنی‌هاشم و بنی مطلب سهم دادند و به برادران دیگرشان مانند بنی عبد شمس و نوفل سهم ندادند، معنایش این است که بنی‌هاشم و بنی مطلب در يك حکم بودند.»

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره‌ی اینکه همسران پیامبر رضی الله عنهن در آل بیت ایشان داخلند دلیلش این ارشاد خداوندی است:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾ وَأَذْكُرَنَّ مَا يُثْبَلُ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿۳۴﴾﴾ [الأحزاب: ۳۳-۳۴].

«و در خانه‌های خود بمانید و چون زینت نمایی (عصر) جاهلیت پیشین زینت ننمایید و نماز بر پای دارید و زکات بپردازید و از خداوند و رسولش فرمان برید. ای

اهل بیت! جز این نیست که خداوند می خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند و هر آنچه را که از آیه‌های خداوند و حکمت در خانه‌هایتان خوانده می شود یاد کنید، بی گمان خداوند باریک بین آگاه است.»

این آیه به طور حتم دلالت می کند که امهات المؤمنین در اهل بیت داخلند، زیرا سیاق قبل و بعد از این آیه خطاب به آنها است.

دفع يك اشكال

باید توجه داشت که این با روایتی که در صحیح مسلم (شماره ۲۴۲۴) به نقل از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها آمده منافات ندارد.

ملاحظه فرمائید: حضرت عایشه رضی الله عنها می فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام چاشت کسایی که از موی سیاه بافته شده بود بر تن داشتند و از خانه بیرون رفتند، حسن ابن علی آمد او را باخود زبر کساء داخل کردند، سپس حسین آمد با ایشان داخل شد، سپس فاطمه آمد او را داخل کردند سپس علی آمد او را هم داخل کردند، آنگاه فرمودند:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
[الأحزاب: ۳۳].

«ای اهل بیت! خداوند می خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند.»

زیرا آیهی کریمه دلالت آشکار دارد که امهات المؤمنین در این فضیلت داخلند چونکه خطاب در آیات مذکوره متوجه آنها است، و علی و فاطمه و حسن و حسین رضی الله عنهم با دلالت سنت که در این حدیث ذکر شده مشمول این فضیلت می گردند.

دفع يك اشكال ديگر

اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله این چهار نفر علیهم السلام را بطور خصوص در این حدیث ذکر فرمودند مستلزم این نیست که اهل بیتش منحصر به همینها باشد و بقیه را شامل نشود، حد اکثر دلالت حدیث این است که آنها از خصوصیترین افراد اهل بیت ایشان هستند.

يك مثال

مثال دلالت این آیه بر دخول همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در اهل بیتش و دلالت حدیث حضرت عائشه رضی الله عنها که گذشت بر دخول علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در اهل بیتش مثل دلالت این ارشاد خداوندی است:

﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ﴾ [التوبة: ۱۰۸].

«به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستی».

که مراد از آن مسجد قباء است. و دلالت سنت در حدیثی که امام مسلم در صحیحش (شماره ۱۳۹۷) نقل می کند که:

«مراد از مسجدی که بر تقوی بنا شده مسجد خود حضرت صلی الله علیه و آله است».

این مثال را شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله در رساله اش «فضل اهل البیت و حقوقهم» (ص ۲۰-۲۱) ذکر کرده است.

همسران حضرتش صلی الله علیه و آله در لفظ «آل» داخلند زیرا می فرمایند: «إن الصدقة لا تحل لمحمد و لا لآل محمد» «بی تردید برای محمد و آل محمد صدقه حلال نیست».

دلالت حدیث از اینجاست که از خمس به أمهات المؤمنین سهم داده می شد. و همچنین روایت ابن ابی شیبیه در مصنفش (ج ۲/۳) که با اسناد صحیح از ابن ابی ملیکه نقل می کند که:

«إنَّ خالد بن سعيد بعث إلى عائشه ببقرة من الصدقة فردتها وقالت: إنا آل بيت محمد ﷺ لا تحل لنا الصدقة».

«خالد بن سعید خدمت حضرت عائشه رضی الله عنها از مال صدقه گاوی فرستاد، ام المؤمنین آن را رد کرد و فرمود: برای «ما اهل بیت محمد» رضی الله عنه صدقه حلال نیست».

دلایلی بر دخول ازواج مطهرات در اهل بیت

ابن قیم رحمته الله در کتابش جلاء الأفهام (ص ۳۳۱-۳۳۲) در تأیید کسانی که به دخول ازواج مطهرات در اهل بیت حضرتش رضی الله عنه قائل هستند دلایلی ذکر می کند از جمله می فرماید: آنها می گویند:

«اینکه عموماً همسر جزو اهل بیت شخص بشمار می رود، بخصوص همسران پیامبر رضی الله عنه علتش این است که آن را به نسب تشبیه می کنند چون رابطه آنها با پیامبر رضی الله عنه قطع نشده است به دلیل اینکه آنها چه در حیات و چه بعد از وفات حضرتش رضی الله عنه بر غیر ایشان حرامند، چون مادر همه مؤمنان هستند، لذا آنها چه در دنیا و چه در آخرت همسران خود پیامبر رضی الله عنه هستند، پس سببی که آنها با پیامبر رضی الله عنه هستند یعنی نکاح، قائم مقام نسب است. لذا پیامبر رضی الله عنه فرموده اند که به آنها درود فرستاده شود، به همین جهت است که بنا بر قول صحیح، - چنانکه امام احمد رحمته الله نیز بر این باور است - صدقه بر آنها حرام است زیرا صدقه چرك مال مردم است، و خداوندشان و منزلت این شخصیت استثنائی - رضی الله عنه - و اهل بیت ایشان را از چرك مال مردم محفوظ داشته است.

من (ابن قیم) تعجب می کنم که چگونه همسران ایشان در این فرموده حضرت «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا» و در این فرموده شان درباره قربانی «اللَّهُمَّ هَذَا

عَنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در فرموده حضرت عائشه رضی الله عنها که «مَا شَبَعَ آلِ مُحَمَّدٍ ص مِنْ خُبْرِ بَرٍّ» و در دعای نمازگذار «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ» داخل ولی در این فرموده حضرت «إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحَمَّدٍ وَلَا لِآلِ مُحَمَّدٍ» داخل نیستند با اینکه صدقه چرک مال مردم است، قطعاً همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از بقیه اولی ترند که از آن پاک و دور باشند.

اگر گفته شود که صدقه بر آنان حرام است بر موالی یعنی غلامان و کنیزان آزاد شده شان نیز باید حرام باشد چنانکه وقتی صدقه بر بنی هاشم حرام شد بر موالی شان نیز حرام گردید، به روایت صحیح ثابت است که بر بریده که مولای ام المؤمنین حضرت عائشه رضی الله عنها بود حرام ندانست؟

می گوئیم: درست است، شبهه‌ی کسانی که آن را برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حرام دانسته اند همین است.

پاسخ این است که تحریم صدقه بر همسران پیامبر اصالتاً نیست، بلکه مبنی بر تحریم آن بر خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، زیرا قبل از رابطه آنان با پیامبر صدقه بر آنان حلال بوده است، پس آنها در این تحریم فرع هستند و تحریم بر مولی فرع تحریم بر سید است، از آنجایی که تحریم بر بنی هاشم اصل بود، بر موالی شان نیز به تبع آنان حرام گردید، و چونکه تحریم بر همسران حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم تابع بود ممکن نبود که تحریم موالی بر آنان بنا شود زیرا که فرع بر فرع بنا نمی‌شود. (با عرض پوزش از عموم خوانندگان عزیز)

گفته‌اند، خداوند متعال فرموده:

﴿يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۗ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿۳۰﴾ [الأحزاب: ۳۰].

«ای زنان پیامبر، هر کس از شما کار ناشایست آشکاری انجام دهد، عذاب در حق او دوچندان افزوده می‌شود. و این بر خداوند آسان است.»

﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۴].

«و هر آنچه را که از آیه‌های خداوند و حکمت در خانه‌هایتان خوانده می‌شود، یاد کنید، بی گمان خداوند باریک بین آگاه است.»

سپس می‌فرماید:

بنابراین، همسران پیامبر در اهل بیت داخل هستند زیرا این خطاب در سیاق ذکر آنان است و به هیچ عنوان درست نیست که آنان از بخشی از این خطاب خارج گردانیده شوند». پایان سخنان ابن قیم رحمته.

دلیلی دیگر

دلیل دیگری که بر تحریم صدقه بر موالی بنی‌هاشم دلالت دارد روایت ابو داود در سنن (شماره ۱۶۵۰) و ترمذی (شماره ۶۵۷) و نسائی (شماره ۲۶۱۱) است که با سند صحیح ثابت شده، البته لفظ ذیل از ابو داود است.

«از ابو رافع روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را برای گرفتن صدقه - زکات - از بنی مخزوم مکلف فرمودند، آن شخص به ابو رافع گفت تو هم با من بیا، تا اینکه به تو هم از مزد دریافتی، چیزی برسد، گفت باید از پیامبر صلی الله علیه و آله بپرسم، وقتی پرسید فرمودند: «مولى القوم من انفسهم وانا لا تحل لنا الصدقة» «مولای هر قومی از خود آنان بحساب می‌آید و برای ما صدقه حلال نیست».

فصل دوم:

خلاصه عقیده اهل سنت و جماعت درباره اهل بیت

اعتدال در عقیده

عقیده‌ی اهل سنت و جماعت در تمامی مسائل اعتقادی عقیده‌ی معتدل بین افراط و تفریط است، از جمله عقیده‌شان درباره‌ی اهل بیت رسول الله ﷺ. زیرا آنان هر زن و مرد مسلمانی را که از نسل عبدالمطلب باشد دوست می‌دارند. همچنین تمام همسران پیامبر ﷺ را دوست می‌دارند و به همه احترام می‌گذارند، و با عدل و انصاف، و بدون از هرگونه هواپرستی و تندروی هر کسی را در همان مقام و منزلتی قرار می‌دهند که مستحق آن است. کما اینکه اهل سنت به کسانی که خداوند به آنان هم افتخار ایمان و هم افتخار نسب قرابت حضرتش ﷺ را عنایت فرموده احترام می‌گذارند. پس صحابی‌ای که از اهل بیت رسول الله ﷺ باشد، از یکتا و او را به خاطر ایمان و تقوا و صحبتش با آن حضرت ﷺ، و از سوی دیگر بخاطر افتخار و قرابتش با رسول الله ﷺ دوست می‌دارند. و کسی که از اهل بیت باشد اما صحابی نباشد او را به خاطر ایمان و تقوا و نزدیکی‌اش با رسول گرامی ﷺ دوست می‌دارند.

يك قاعدة مهم

پس اهل سنت معتقدند که افتخار نسب تابع افتخار ایمان است، کسی که خداوند او را با هر دو نعمت (ایمان و نسب رفیع) افتخار بخشیده باشد برآستی که

دو مدال افتخار یکجا برده است، و کسی که توفیق نعمت ایمان را نیافته باشد نسب شریف و رفیع نفعی به او نخواهد رساند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ﴾ [الحجرات: ۱۳]. «بدرستی که مکرم‌ترین شما در نزد خدا پرهیزگارترین شماست».

و رسول گرامی صلی الله علیه و آله در پایان حدیث طولانی‌ای که امام مسلم آن را به روایت أبو هریره در صحیحش نقل کرده (شماره ۲۶۹۹) می‌فرماید:

«مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ» «کسی که عملش او را عقب بیندازد نسبش او را نمی‌تواند جلو بیندازد».

شرح حدیث

حافظ ابن رجب رحمته الله در شرح این حدیث در کتاب ارزشمندش جامع العلوم والحکم ص ۳۰۸ می‌فرماید:

«و معنایش این است که عمل، انسان را به درجات عالی بهشت در آخرت می‌رساند لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا﴾ [الأنعام: ۱۳۲ والأحقاف: ۱۹]. «و هر کسی را از آنچه عمل کرده در جاتی خواهد بود».

پس کسی که عملش او را در نزد خداوند به درجات عالی نرساند نسبش نخواهد توانست او را جلو بیندازد تا اینکه آن درجات را کسب کند، زیرا خداوند در مقابل عمل پاداش می‌دهد نه نسب، چنانکه می‌فرماید:

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱].

«آنگاه چون در صور دمیده می‌شود، آن روز در میانشان پیوندهای خویشاوندی نباشد و از همدیگر نپرسند».

و خداوند همواره امر فرموده که با عمل به سوی آمرزش و مغفرت او بشتابیم، چنانکه می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۴].

«آنان که در آسایش و سختی انفاق می‌کنند و خشم (خود) را فرو می‌خورند و از (تقصیر) مردم درمی‌گذرند. و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»
و همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿۵۷﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿۵۹﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَاءً تَوْأَمًا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿۶۰﴾ أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿۶۱﴾﴾ [المؤمنون: ۵۷-۶۱].

«آنان که از ترس پروردگاشان هراسانند و کسانی که به آیات پروردگارش ایمان می‌آورند و کسانی که به پروردگارش شرک نمی‌ورزند و کسانی که آنچه را باید (در راه خدا) بدهند، می‌دهند و دل‌هایشان از اینکه به سوی پروردگارش باز خواهند گشت بیمناک است اینانند که در (راه) نیکوها تلاش می‌کنند و اینان در انجام آن پیشتازند.»

سپس نصوصی را ذکر کرده که به اعمال نیک تشویق می‌کند و اینکه ولایت و دوستی رسول الله ﷺ فقط با تقوا و عمل نیک بدست می‌آید، آنگاه مطلب را به حدیثی از صحابه جلیل القدر حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه که در صحیح بخاری (شماره ۵۹۹۰) و صحیح مسلم (شماره ۲۱۵) نقل گردیده به پایان می‌برد بدین شرح که:

شاهد بر آنچه عرض کردیم حدیث حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه در صحیحین است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است که می فرمودند:

«إن آل أبي فلان ليسوا لي بأولياء وإنما ولي الله وصالح المومنين».

«آل فلانی دوستان من نیستند دوست من خداوند و مؤمنان نیکوکارند».

اشاره می فرماید که دوستی و ولایت ایشان با خویشاوندی بدست نمی آید هر چند که خویشاوند نزدیک باشد، بلکه با ایمان و عمل نیک حاصل می شود پس کسی که از نظر ایمان و عمل کاملتر باشد از نظر دوستی و ولایت با ایشان نزدیکتر است حالا چه قرابت و خویشاوندی با حضرتش صلی الله علیه و آله داشته باشد و چه نداشته باشد.

يك شعر جالب!

شاعری در این خصوص چنین می سرايد:

لعمرك ما الانسان الابدينه فلا تترك التقوي اتكالا علي النسب

لقد رفع الاسلام سلمان فارس وقد وضع الشرك النسيب ابا لهب

بدان که ارزش انسان جز با دین او نیست

پس به امید خویشاوندی تقوی را فرو نگذار

اسلام به سلمان فارسی شخصیت رفیع بخشید

اما شرک، أبو لهب خویشاوند را به پستی کشید

پایان سخنان ابن رجب رحمته الله.

فصل سوم:

فضائل اهل بیت در قرآن کریم

خداوند متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعِكُنَّ وَأُسْرِحْكِنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ يَبْسُطُ إِلَيْكُم مِّن يَأْتٍ مِنْكُنَّ بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ وَمَن يَفْعَلْ مِّنْكُمْ لِيهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُورْتَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَبْسُطُ إِلَيْكُم مِّن يَأْتٍ مِنْكُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ ۚ إِن تَضَعْتُمْ فَلَا تُخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ ۚ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ ۚ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِّنْ ءَايَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾﴾

[الأحزاب: ٢٨-٣٤].

«ای پیامبر! به زنان بگو: اگر زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشید، پس بیاید تا شما را بهره مند کنم و به رها کردن نیک رهایتان سازم و اگر خداوند و رسول او و سرای آخرت را خواسته باشید، (بدانید که) خداوند برای نیکوکارانتان پاداشی بزرگ فراهم دیده است. ای زنان پیامبر! هرکس از شما کار ناشایست آشکاری انجام

دهد، عذاب در حق او دوچندان افزوده می‌شود. و این (کار) بر خداوند آسان است و هر کس از شما که در برابر خداوند و پیامبرش گردن نهد و کار شایستی انجام دهد، پاداشش را دوباره به او می‌دهیم. و برایش روزی ارزشمند فراهم می‌سازیم ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از (سایر) زنان نیستید، اگر تقوا دارید پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا مبادا آن کسی که در دل خویش بیماری دارد به طمع بیفتد. و سخنی شایسته بگویید و در خانه‌های خود بمانید و چون زینت نمایی (عصر) جاهلیت پیشین زینت ننمایید و نماز برپای دارید و زکات پردازید و از خداوند و رسولش فرمان برید. ای اهل بیت! جز این نیست که خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند و هر آنچه را که از آیه‌های خداوند و حکمت در خانه‌هایتان خوانده می‌شود یاد کنید، بی‌گمان خداوند باریک بین آگاه است».

پس این ارشاد خداوندی:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

[الأحزاب: ۳۳].

دلالت بر فضیلت خویشاوندی رسول الله صلی الله علیه و آله می‌کند و آل بیت و خویشاوندان ایشان کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است، بخصوص همسران و نوادگان ایشان، چنانکه گذشت.

فضائل دیگر برای مادران مؤمنان

آیات مذکوره فضائل دیگری را نیز برای همسران ایشان در بر دارد از جمله:
اول: اینکه به آنان اختیار داده شد که دنیا و زینت دنیا را می‌خواهند یا خدا و رسولش و سرای آخرت را؟ که آنان خدا و رسول خدا و سرای آخرت را برگزیدند.

(رضی الله عنهن و أرضاهن) «خداوند از آنان خوشنود باد و آنان را خوشنود بگرداند».

دوم: همچنین از دیگر فضائل آنان ارشاد گرامی «وَأزواجه أمهاتهم» است که خداوند آنان را مادران مؤمنان خوانده است.

و اما آیه مبارکه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ [الشوری: ۲۳].

«بگو: بر (رساندن) آن مزدی از شما در خواست نمی‌کنم، ولی باید در میان خویشاوندان دوستی پیشه کنید».

قول صحیح در تفسیر آیه

قول صحیح در تفسیر آیه این است که منظور بطون (یعنی قبایل مرتبط با) قریش است، چنانکه بیان آن در صحیح بخاری (شماره ۴۸۱۸) نقل گردیده است، امام بخاری رحمته الله (بعد از ذکر سند) می‌فرماید:

نظر ابن عباس

«از عبدالله ابن عباس رحمته الله روایت است که در باره‌ی آیه ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ سؤال شد، سعید ابن جبیر فرمود: (قربی آل محمد صلی الله علیه و آله) مراد است، ابن عباس فرمود: عجله کردی هیچ قبیله‌ای از قبایل قریش نبود مگر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان خویشاوندی داشت: «إِلَّا أَنْ تَصَلُّوا مَا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ مِنْ قَرَابَةٍ؟» منظور این است که: روابط خویشاوندی خود را با من بر قرار داشته باشید».

نظر ابن کثیر

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌فرماید:

یعنی بگو ای محمد به مشرکین از کفار قریش:

«لا أسألكم علي هذا البلاغ و النصح لكم مالا تعطونيه، و إنما أطلب منكم أن تكفوا شركم عني و تذكروني أبلغ رسالات ربي إن لم تنصروني، فلا تؤذوني بما بيني و بينكم من القرابة».

«من در قبال این تبلیغ و نصیحت شما، از شما مالی نمی طلبم که به من بدهید، آنچه از شما می خواهم این است که شر و گزندتان را از من باز دارید تا اینکه رسالت پروردگارم را ابلاغ کنم، شما را به آن قرابتی که بین من و شماست اگر مرا یاری نمی کنید پس آزار و اذیتم نرسانید».

سپس ابن کثیر اثر ابن عباس را که قبلاً آوردیم ذکر می کند.

تفسیر نا درست

و اما اینکه بعضی هوا پرستان (القربی) را در آیه به فاطمه و علی علیهم السلام و اولاد آنان اختصاص می دهند درست نیست و ادعایی بی دلیل است، زیرا آیه کریمه مکی است، و ازدواج علی با فاطمه علیهم السلام در مدینه انجام گرفته است.

ابن کثیر رحمته الله می فرماید:

«نزول آیه را به جریانی که در مدینه اتفاق افتاده ربط دادن دور از واقعیت است زیرا که آیه مکی است، و در آن زمان فاطمه اولادی نداشته زیرا تا آن زمان ایشان با علی ازدواج نکرده بوده، ازدواج آنها بعد از غزوه بدر در سال دوم هجری اتفاق افتاده است، حقیقت تفسیر آیه کریمه همانست که دانشمند امت و مفسر قرآن عبدالله ابن عباس رضی الله عنه بیان فرموده چنانکه امام بخاری رحمته الله روایت می کند».

سپس روایات زیادی از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و آثاری از ابوبکر و عمر رضی الله عنهما

در فضیلت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ذکر می کند.

فصل چهارم:

فضائل اهل بیت در سنت مطهر

امام مسلم در صحیحش (شماره ۲۲۷۶) از واثله بن اسقع رضی الله عنه روایت می‌کند که فرمود: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «خداوند کنانه را از نسل اسماعیل و قریش را از کنانه و بنی هاشم را از قریش و مرا از بنی هاشم برگزید.»

حدیث عایشه صدیقه در فضیلت اهل بیت

همچنین امام مسلم در صحیحش (شماره ۲۴۲۴) از ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت می‌کند که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله درحالی که کسایی که از موی سیاه بافته شده بود بر خود داشتند، هنگام چاشت از خانه بیرون رفتند، حسن ابن علی آمد او را با خود داخل کردند، سپس حسین آمد با ایشان داخل شد، سپس فاطمه آمد او را داخل کردند، سپس علی آمد او را هم داخل کردند، آنگاه این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
[الأحزاب: ۳۳].

«ای اهل بیت! جز این نیست که خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند.»

حدیث سعد بن ابی وقاص در فضیلت اهل بیت

همچنین امام مسلم در صحیحش (شماره ۲۴۰۴) از سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت می‌کند که فرمود: هنگامی که آیه کریمه: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ﴾ [آل عمران: ۶۱].

«بگو: بیاید تا فرزندانمان و فرزندانتان فرا خوانیم» نازل گردید رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواندند و فرمودند: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي» «پروردگارا! اینها اهل بیت من هستند».

حدیث زید بن ارقم در فضیلت اهل بیت

و امام مسلم در صحیحش (۲۴۰۸) با سند خودش از یزید بن حیان روایت می‌کند که گفت:

من و حصین بن سبره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رفتیم، وقتی نشستیم حصین به او گفت: زید! تو خیر بسیاری بدست آوردی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دیدی و حدیث ایشان را شنیدی و با ایشان جهاد کردی، و پشت سر ایشان نماز خواندی، برآستی که تو خیر بسیاری بدست آوردی، زید! از آنچه از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیده‌ای برایمان بیان کن فرمود: برادرزاده من! عمرم زیاد شده، و از آن زمان مدت زیادی گذشته، بعضی از آنچه که از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بیاد داشتم فراموش کرده ام پس هرچه برایتان بیان کردم قبول کنید، و هر چه نتوانستم وادارم نکنید، سپس فرمود:

روزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در سر چشمه‌ای که بین مکه و مدینه واقع است و خم نامیده می‌شود در میان ما به ایراد خطبه پرداختند، حمد و ثنای پروردگار را بیان فرموده و موعظه کرده و پند دادند، سپس فرمودند:

«أَمَّا بَعْدُ أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبْ وَأَنَا

تَارِكٌ فِيكُمْ تَقْلِينَ أَوْلَهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَىٰ وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ
 وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ. فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَرَعَبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَأَهْلُ بَيْتِي
 أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي
 أَهْلِ بَيْتِي. فَقَالَ لَهُ حُصَيْنٌ وَمَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ يَا زَيْدُ أَلَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ
 قَالَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَلَكِنَّ أَهْلَ بَيْتِهِ مَنْ حُرِمَ الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ. قَالَ وَمَنْ
 هُمْ قَالَ هُمْ آلُ عَلِيٍّ وَآلُ عَقِيلٍ وَآلُ جَعْفَرٍ وَآلُ عَبَّاسٍ. قَالَ كُلُّ هَؤُلَاءِ حُرْمَ
 الصَّدَقَةَ قَالَ نَعَمْ.»

«اما بعد: ای مردم! جز این نیست که من مانند شما بشری هستم، عنقریب قاصد
 پروردگارم خواهد آمد و من دعوتش را خواهم پذیرفت. - پس اینک که دارم می‌روم -
 در میان شما دو چیز می‌گذارم یکی کتاب الله که در آن هدایت و نور است، پس
 کتاب الله را فراگیرید و به آن چنگ بزنید، آنگاه درباره قرآن کریم ترغیب و تشویق
 نمودند، سپس فرمودند: و اهل بیتم، به شما درباره اهل بیتم سفارش می‌کنم، به شما
 درباره اهل بیتم سفارش می‌کنم، به شما درباره اهل بیتم سفارش می‌کنم، حصین
 پرسید زید! اهل بیت حضرتش کیست؟ مگر همسرانش از اهل بیتش نیستند فرمود:
 همسرانش از اهل بیتش هستند و لیکن اهل بیتش کسانی هستند که بعد از ایشان
 صدقه بر آنان حرام است کما اینکه در حیات حضرتش حرام بوده است، پرسید آنها
 کیستند؟ فرمود: آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس، سپس پرسید بر همه‌ی
 اینها صدقه حرام است فرمود: بله و در روایت دیگری آمده است که گفتیم اهل بیتش
 کیست؟ همسرانش؟ فرمود خیر، زن مدتی با مرد زندگی می‌کند وقتی طلاقش
 می‌دهد او به نزد پدر و اقوامش بر می‌گردد، اهل بیتش اصل و نسلش هستند که بعد
 از ایشان هم صدقه بر آنان حرام است.»

اینجا به چند نکته باید اشاره کنیم:

اول: اینکه ذکر علی و فاطمه و دو فرزند شان علیهم السلام اجمعین در حدیث کساء و مباحله که گذشت دلالت بر انحصار اهل بیت به آنها نمی‌کند. آنچه می‌رساند این است که آنان خصوصی‌ترین افراد، و اهل بیت درجه يك ایشان هستند، و اینکه اینها اولین کسانی هستند که لفظ اهل بیت آنها را شامل می‌شود چنانکه قبلا هم اشاره کردیم.

دوم: اینکه ذکر آل عقیل و آل علی و آل جعفر و آل عباس در حدیث گذشته دلالت بر این نمی‌کند که صدقه فقط بر اینها حرام است، بلکه بر هر زن و مرد مسلمان از نسل عبدالمطلب حرام است، و حدیث عبدالمطلب بن ربیعہ بن الحارث بن عبدالمطلب که در صحیح مسلم گذشت همه فرزندان و نوادگان ربیعہ بن الحارث بن عبدالمطلب را در بر می‌گیرد.

سوم: استدلال از کتاب و سنت در مورد اینکه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از اهل بیتش هستند و لذا صدقه بر آنها حرام است گذشت.

در حدیث زید آمد که بنا بر روایت اول آنان در اهل بیت داخل و بنا بر روایت دوم داخل نیستند، باید گفت: که معتبر روایت اول است، و روایت دوم که بر اساس آن همسران در آل بیت داخل نمی‌شوند بر همسران دیگر انطباق دارد و نه بر همسران خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله.

همسران ایشان رضی الله عنهن حالت استثنایی دارند زیرا رابطه آنها با حضرتش به نسب شباهت دارد چونکه رابطه آنها با ایشان قطع نمی‌شود و پس از مرگ هم ادامه دارد، آنها همچنانکه در دنیا همسران حضرت بودند در آخرت نیز همسران ایشان خواهند بود، چنانکه توضیح آن در سخنان ابن قیم رحمته الله گذشت.

چهارم: اینکه اهل سنت و جماعت وصیت رسول الله ﷺ را که در حدیث فوق گذشت به نحو کامل اجراء می‌کنند و در این زمینه بسیار مؤفق هستند، زیرا آنها همه اهل بیت را دوست می‌دارند، و با همه شان محبت و مودت دارند و با عدالت و انصاف آنان را در جایگاه شایسته خود شان می‌گذارند.

بک مقایسه

دیگران چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه در مجموع الفتاوی (۴/۴۹) می‌فرماید:

«وأبعد الناس عن هذه الوصية الرافضة فانهم يعادون العباس وذريته بل يعادون جمهور أهل البيت ويعينون الكفار عليهم».

«دورترین مردم در اجرای این وصیت نبوی رافضه (یعنی شیعیان غالی) هستند، زیرا آنان با عباس و خاندان او دشمنی می‌کنند، بلکه بر جمهور اهل بیت دشمنی روا می‌دارند، و کافران را علیه آنان یاری می‌کنند».

وحدیث «کل سبب ونسب منقطع يوم القيامة إلا سببي ونسبي». «هر سبب و نسبی در روز قیامت منقطع می‌گردد، مگر سبب و نسب من».

شیخ البانی رحمته الله علیه این حدیث را در سلسله احادیث صحیحه (۲۰۳۶) آورده است که راویانش: ابن عباس و عمر فاروق و ابن عمر و مسور بن مخرمه رضی الله عنه هستند، و کسانی که حدیث را از آنان نقل کرده‌اند را نیز ذکر می‌کند و می‌فرماید: خلاصه اینکه حدیث با مجموع طرقتش صحیح است. والله أعلم.

انگیزه ازدواج عمر با دختر علی و فاطمه

در بعضی طرق این حدیث آمده است که همین امر باعث شد که عمر فاروق رضی الله عنه به ازدواج با ام کلثوم دخت گرامی علی و فاطمه رضی الله عنهما اجمیعن علاقمند شود.

درود بر مادران مؤمنان

امام احمد در مسندش (۳۷۴/۵) از عبدالرزاق از معمر از ابن طاووس از ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم از مردی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ».

ابن طاووس می‌فرماید: پدرم نیز چنین درود می‌فرستاد.

امام بخاری و امام مسلم و اصحاب سنن اربعه از همه رجال اسناد قبل از صحابی حدیث روایت کرده‌اند، شیخ البانی در کتاب روش نماز پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رواه احمد و الطحاوی بسند صحیح».

يك توضیح لازم

و اما ذکر درود و سلام بر ازواج و ذریه در صحیحین نیز از حدیث ابی حمید ساعدی رضی الله عنه ثابت است. اما این دلالت نمی‌کند که آل بیت منحصر به ازواج و ذریه باشند بلکه دلالت به این امر دارد که آنها بطور اکید در اهل بیت داخلند. و به هیچ عنوان از این دایره خارج نیستند و عطف ازواج و ذریه بر اهل بیت ایشان در حدیث گذشته از باب عطف خاص بر عام است.

تحلیلی از ابن قیم

ابن قیم پس از آوردن حدیثی که در آن اهل بیت و ازواج و ذریه یکجا نام برده شده‌اند می‌فرماید:

(که البته در سندش جای سخن وجود دارد)

«در اینجا که ازواج و ذریه و اهل بیت را جمعا ذکر کرده گویا با نص آنان را متعین فرموده تا بیان دارد که آنها شایسته‌اند که در اهل داخل باشند، و به هیچ عنوان از دایره اهل بیت خارج نیستند بلکه آنها مستحق‌ترین و شایسته‌ترین کسانی‌اند که می‌توانند جزو اهل بیت باشند، و این از باب عطف خاص بر عام و بالعکس است، تا اینکه شرافت آنانرا گوشزد کرده و با این تخصیص از میان همنوعانشان شایستگی آنانرا بیان کرده باشد و آنها لایق‌ترین و شایسته‌ترین افراد این نوع‌اند که باید در این افتخار داخل باشند». [جلاء‌الفهام ص ۳۳۸].

رسول گرامی ﷺ می‌فرماید:

«إن الصدقه لا تنبغی لآل محمد إنما هی أوساخ الناس» «صدقه برای آل

محمد شایسته نیست زیرا که صدقه چرك مال مردم است».

به روایت صحیح مسلم از حدیث عبدالمطلب بن ربیعہ (۱۰۷۲) که قبلاً هم گذشت.

فصل پنجم:

مقام شامخ اهل بیت از دیدگاه صحابه و تابعین

دیدگاه ابوبکر صدیق

اولین سند افتخار:

امام بخاری رحمته در صحیحش (۳۷۱۲) می‌فرماید:

ابو بکر رضی الله عنه فرمود:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، لَقَرَابَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ أَصِلَ مِنْ قَرَابَتِي».

«قسم به ذاتی که جانم در دست اوست خویشاوندی رسول الله ﷺ در نزد من

قطعاً نسبت به خویشاوندی خودم محبوبتر است که با آنان مراودت داشته باشم».

همچنین امام بخاری رحمته در صحیحش (۳۷۱۳) از ابن عمر و ایشان از ابوبکر

روایت می‌کند که فرمود:

دومین سند افتخار:

«أَرْقَبُوا مُحَمَّدًا ﷺ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ».

«محمد ﷺ را در معامله تان با اهل بیت ایشان همواره در نظر داشته باشید».

حافظ ابن حجر رحمته در شرح این حدیث می‌فرماید:

ابوبکر صدیق، مردم را مخاطب می‌کند و به آنان در این باره سفارش می‌کند،

مراقبت از چیزی یعنی حفاظت از آن، و می‌فرماید:

«احفظوه فيهم فلا تؤذوهم ولا تسيئوا إليهم».

«از آنان حفاظت کنید، پس به

آنان آزار و اذیت نرسانید و به آنان بدی نکنید».

همچنین در صحیح بخاری (۳۵۴۲) از عقبه بن حارث رضی الله عنه روایت است که فرمود:

سومین سند افتخار:

أبو بکر رضی الله عنه نماز عصر را خواند و سپس از مسجد بیرون آمد و براه افتاد حسن را دید که با بچه‌ها بازی می‌کند او را برداشت و بردوش گرفت و فرمود:

«بأبي شبيه بالنبي لا شبيه بعلي» «پدرم فدایت باد، تو که به پیامبر شبیه هستی نه به علی». «و علي يضحك». «و علی رضی الله عنه می‌خندید».

حافظ ابن حجر در شرح این فرموده صدیق رضی الله عنه (بأبي) می‌فرماید:

«در اینجا طبق دستور زبان عربی کلمه‌ای مخذوف است، جمله‌اش این می‌شود (أفديه بأبي) پدرم فدایش باد همچنین می‌فرماید: این حدیث فضیلت ابوبکر صدیق رضی الله عنه را می‌رساند و اینکه ایشان چقدر با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم محبت داشتند».

دیدگاه عمر فاروق و عثمان ذی النورین رضی الله عنهما

توسل جایز:

امام بخاری در صحیحش (۱۰۱۰) و (۳۷۱۰) از انس رضی الله عنه روایت می‌کند که: هرگاه قحط سالی می‌شد و باران نمی‌بارید حضرت عمر رضی الله عنه برای دعای باران خدمت حضرت عباس رضی الله عنه می‌رفت لذا می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا صلی الله علیه وآله وسلم فَتَسْقِينَا، وَإِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّنَا فَاسْقِنَا. قَالَ فَيَسْقُونَ».

«پروردگارا! ما در گذشته، پیامبران صلی الله علیه وآله وسلم را نزد تو (برای دعا کردن) وسیله می‌گرفتیم که به ما باران می‌دادی، اکنون عمومی پیامبران را نزد تو (برای دعا کردن)

وسیله می‌آوریم پس به ما باران بده، راوی می‌گوید، پس (از دعای حضرت عباس علیه السلام) باران می‌بارید».

منظور چیست؟

منظور از توسل عمر فاروق رضی الله عنه به حضرت عباس رضی الله عنه توسل به دعای ایشان است چنانکه بیان و توضیح آن در روایات دیگری آمده است، حافظ ابن حجر نیز در کتاب استسقاء در فتح الباری شرح صحیح بخاری آن روایات را ذکر کرده است.

یک پرسش پاسخ آن:

چرا حضرت عمر رضی الله عنه برای توسل به دعایش، عباس رضی الله عنه را انتخاب کرد؟ به جهت قرابتی است که ایشان با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داشت لذا در دعایش فرمود: اکنون ما عمومی پیامبرمان را نزد تو وسیله می‌آوریم پس به ما باران بده، و نفرمود عباس را وسیله می‌آوریم.

آشکار است که علی رضی الله عنه از عباس افضل است، ولی از نظر قرابت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عباس نزدیکتر است، و اگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مالی به ارث برده می‌شد، عباس بر علی مقدم بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

«الْحَقُّوا الْفَرَائِضَ بِالْمَالِ، فَمَا أَبْقَتِ الْفَرَائِضُ فَلَأُولَى ذَكَرٍ». [متفق علیه].

«فرائض را به اهل آن ملحق کنید پس آنچه فرائض باقی گذاشت پس به مرد نزدیکتر باید داد».

در صحیحین از حدیث ابو هریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با عمومیشان به عمر فاروق فرمودند:

«اما علمت أن عم الرجل صنو أبيه». «آیا نمی‌دانستی که عمومی شخصی

مثل پدر اوست».

این است محبت و ارادت:

در تفسیر ابن کثیر رحمته الله علیه در ذیل آیات شوری آمده است که عمر به عباس رضی الله عنه فرمود:

«والله لإسلامك يوم أسلمت كان أحب إلي من إسلام الخطاب لو أسلم لأن إسلامك كان أحب إلى رسول الله صلی الله علیه وآله من إسلام الخطاب».

در طبقات ابن سعد نیز شبیه همین نص آمده است ۲۲/۴-۳۰.

«به خدا سوگند هنگامی که مسلمان شدی مسلمان شدن تو در نزد من از مسلمان شدن پدرم خطاب اگر مسلمان می شد محبوبتر بود، زیرا مسلمان شدن تو در نزد رسول الله صلی الله علیه وآله از مسلمان شدن خطاب محبوبتر بود».

عدالت فاروقی و حب اهل بیت:

در کتاب «اقتضاء الصراط المستقیم فی مخالفة اصحاب الجحیم» (۱/۴۴۶) از شیخ الاسلام رحمته الله علیه آمده است که:

«هنگامی که عمر فاروق رضی الله عنه دیوان عطاء را تأسیس نمود برای هر کسی به اندازه‌ی نسبت سهم داد، از نزدیکترین خویشاوندان رسول الله صلی الله علیه وآله شروع کرد و هر کس که به ایشان نزدیکتر بود سهم بیشتری داشت، وقتی عربها تمام شدند نوبت به عجمها رسید. دیوان در عصر خلفای راشدین رضی الله عنهم و سایر خلفاء اعم از بنی امیه و بنی عباس به همین صورت بود تا اینکه بعدها تغییر کرد».

نمونه‌ی دیگری از حب و اکرام اهل بیت:

همچنین می‌فرماید: (۱/۴۵۳)

«عمر رضی الله عنه را ببینید وقتی که دیوان را تأسیس نمود، مردم گفتند که امیر المؤمنین! از خود شروع می‌کنید؟ فرمود: خیر، عمر را در جایگاهی قرار دهید که خداوند قرار

داده است، بنابراین از اهل بیت رسول الله ﷺ و سپس کسانی که به ایشان نزدیکتر است شروع کرد تا اینکه نوبت خودشان در بنی عدی آمد، و بنی عدی از بیشتر خاندانهای قریش عقب‌ترند».

حدیث «كُلُّ سَبَبٍ وَنَسَبٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا سَبَبِي وَنَسَبِي». در باب فضائل اهل بیت از سنت مطهر گذشت و اینکه همین امر انگیزه خواستگاری حضرت عمر از ام کلثوم دختر علی شد، شیخ البانی در سلسله صحیحه (۲۰۳۶) طرق این حدیث را از عمر رضی الله عنه نقل می‌کند.

باز هم افتخار:

این امر روشن است که هر چهار خلیفه راشد رضی الله عنهم با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نسبت خویشاوندی سببی دارند:

أبو بکر و عمر رضی الله عنهما این افتخار را دارند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با دختران آنان عائشه و حفصه رضی الله عنهما ازدواج کرده است، و عثمان و علی رضی الله عنهما این افتخار را دارند که با دختران حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرده‌اند، حضرت عثمان رضی الله عنه با رقیه و پس از وفات ایشان با خواهرش ام کلثوم رضی الله عنها ازدواج کرد، لذا به حضرت عثمان رضی الله عنه (ذی النورین) گفته می‌شود «یعنی دارای دو نور» و حضرت علی با فاطمه رضی الله عنها ازدواج کرد.

احترام فوق العاده‌ی عمر و عثمان به اهل بیت:

در سیر اعلام النبلاء امام ذهبی و تهذیب التهذیب ابن حجر در بیوگرافی حضرت عباس آمده است که:

وقتی ایشان از کنار حضرت عمر یا عثمان می‌گذشت و آنها سوار می‌بودند، از اسب پیاده می‌شدند تا اینکه حضرت عباس عبور کند. این کار را به خاطر اجلال و احترام عمومی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کردند.

دیدگاه عمر بن عبدالعزیز

قدر شناسی:

در طبقات ابن سعد (۳۳۳/۵) و (۳۸۷/۵-۳۸۸) با سند متصل خودش تا فاطمه (صغری)- دختر گرامی حضرت حسین - علیه السلام نقل می‌کند:

عمر بن عبدالعزیز رحمته الله به فاطمه صغری فرمود:

«ای دختر علی! (چون جدش علی است) به خدا سوگند در تمام روی زمین در نزد من خانواده‌ای محبوبتر از خانواده شما نیست، شما از خانواده خود من نیز در نزد من محبوبتر هستید.»

دیدگاه ابوبکر ابن شیبه

گوهر شناسی:

در تهذیب الکمال مزی در بیوگرافی علی ابن حسین آمده است که ابوبکر ابن ابی شیبه رحمة الله علیه فرمود:

«أصح الأسانید كلها: الزهري عن علي ابن الحسين عن أبيه عن علي». «از میان همه سندها صحیح‌ترین سند آن است که زهری از علی ابن حسین از پدرش از علی روایت کند.»

دیدگاه شیخ الاسلام ابن تیمیه

ابن تیمیه رحمته الله در عقیده‌ی واسطیه می‌فرماید:

«أهل سنت و جماعت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله را دوست می‌دارند و با آنها محبت دارند، و وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله را که در غدیر خم درباره آنان فرمود بجای می‌آورند.»

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله:

حضرت در آنجا فرمودند: «أذكركم الله في أهل بيتي» و همچنین درباره عمویشان عباس (هنگامی که شکایت نمود که بعضی قریشیها با بنی‌هاشم سختی می‌کنند) فرمودند:

«والذي نفسي بيده لا يؤمنون حتى يحبوكم لله ولقرايتي». «قسم به خدا که مؤمن نیستند تا زمانی که شما را بخاطر خدا و به خاطر قرابت من دوست بدارند.»
و فرمودند:

«إن الله اصطفى من بني اسماعيل كنانة قریشا و اصطفى من قریش بني هاشم و اصطفاني من بني هاشم». «خداوند کنانه را از نسل اسماعیل و قریش را از کنانه و بنی‌هاشم را از قریش و مرا از بنی‌هاشم برگزیده است.»

دیدگاه اهل سنت:

همچنین اهل سنت امهات المؤمنین همسران رسول الله صلی الله علیه و آله را دوست می‌دارند و ایمان دارند که آنها در آخرت نیز همسران آن حضرت صلی الله علیه و آله هستند.
به خصوص خدیجه رضی الله عنها مادر بیشتر فرزندان ایشان و اولین کسی که به ایشان ایمان آورد و ایشان را کمک و یاری نمود، شخصیت او در نزد حضرتش بسیار والا و محترم بود.

و صدیقه طاهره عایشه بنت ابوبکر صدیق رضی الله عنها کسی که حضرتش صلی الله علیه و آله درباره اش فرمودند:

«فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (فضیلت و برتری عایشه بر زنان دیگر مانند فضیلت ثرید بر سایر غذاهاست).
و از روش روافض (شیعیان غالی) که با صحابه بغض می‌ورزند و آنان را دشنام می‌دهند، بیزاری می‌جویند کما اینکه از روش نواصب بیزاری می‌جویند که به اهل بیت آزار و اذیت می‌رسانند، چه این آزار قولی باشد و چه عملی».

حقوق اهل بیت:

همچنین در «الوصیة الكبرى» و در مجموع الفتاوی نقل شده (۴۰۷/۳-۴۰۸) می‌فرماید:

«همچنین اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله حقوقی دارند که رعایت آن واجب است، زیرا خداوند در خمس و فئ برای آنان حق قائل شده و به ما امر فرموده که هر گاه به رسول الله صلی الله علیه و آله درود و سلام می‌فرستیم بر آنان نیز درود بفرستیم چنانکه رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: بگوئید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ حَمِيدٌ».

«پروردگارا! بر محمد و آل محمد رحمت فرست چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت فرستادی بدستیکه تو ستوده شده بزگوار، و بر محمد و آل محمد برکت ده چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی، براستیکه تو ستوده شده بزگوار».
امام شافعی و امام احمد بن حنبل و دیگر علماء رحمة الله علیهم می‌فرمایند:

آل محمد کسانی هستند که صدقه بر آنان حرام است زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحَمَّدٍ وَلَا لِأَلِّ مُحَمَّدٍ». «صدقه برای محمد و آل محمد حلال نیست».

و خداوند متعال در کتاب عزیزش می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
[الأحزاب: ۳۳].

«ای اهل بیت! خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما، دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند».

و خداوند صدقه را بر آنان حرام گردانیده است، زیرا صدقه چرك مال مردم است. همچنین در مجموع فتاوايش (۴۹۱/۲۸) می‌فرماید:

«و نیز محبت و موالات و رعایت حقوق اهل بیت رسول الله ﷺ واجب است».

دیدگاه امام ابن قیم

ابن قیم در بیان اسباب قبول تأویل فاسد می‌فرماید:

«سبب سوم: اینکه تأویل کننده تاویل فاسدش را به شخصیت‌های جلیل القدر و خوشنامی نسبت دهد. گاهی به علماء و دانشمندان، گاهی به اهل بیت پیامبر ﷺ، تا بدینوسله آن را در دل جاهلان شیرین جلوه دهد، زیرا عموم مردم عادتشان این است که کسی که قدر و منزلتش در دلشان باشد، به سخن او نیز بیشتر ارزش قائل می‌شوند تا جائیکه ممکن است بعضی‌ها با این استدلال که او از ما به خدا داناتر است سخن او را بر کلام خدا و رسولش مقدم بدانند!».

و «رافضه» و «باطنیه» و «اسماعلیه» و «نصیری» به همین طریق اعتقادشان را ترویج می‌کنند، و تأویلات باطلشان را به فروش می‌رسانند، زیرا آنان از آنجایی که می‌دانستند که همه مسلمین بر محبت و تعظیم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند، لذا ادعای پیروی از آنان و اظهار محبت و بیان فضائل و مناقب آنها را نمودند! بگونه‌ای که انسان نزدیک است باور کند که واقعاً آنها دوستداران اهل بیت هستند! بدینوسیله یعنی با منسوب کردن عقاید شان به اهل بیت توانستند افکار و اعتقادات باطلشان را ترویج کنند.

تعجب است! شما فکر کنید که چقدر بدعت و زندقه و الحاد به نام پاک اهل بیت در جهان منتشر شده که آنها از این بدعتها بیزارند؟! اگر به این سبب که از مهمترین اسباب تأویل فاسد است یعنی سوء استفاده از نام شخصیت‌های مورد احترام جامعه خوب دقت کنید می‌بینید که بر اکثر اندیشه‌های انحرافی غالب است، و پیروان این گروهها و اندیشه‌های باطل هیچ وسیله دیگری جز «حسن ظن!» نسبت به گوینده یا شخصیت محترمی که از نام و جایگاه او استفاده ابزاری می‌شود ندارند، همین و بس، بدون اینکه از سوی خدا و قرآن و پیامبر برهان و دلیلی داشته باشند که آنان را راهنمایی کند، و این روش یا استفاده سوء از نام بزرگان ارثی است که از دین ستیزان و پیامبر ستیزان گذشته به آنان میراث رسیده و آنان در این مورد از پدران و گذشتگان شان پیروی کرده‌اند، و این شأن و حالت هر مقلدی است که تا روز قیامت در مخالفت با حق کسی را تعظیم کرده و از او پیروی می‌کند». (احیاناً جمله‌های مغلق عربی در ترجمه تا حدی که مفهوم باشد باز شده است).

[مختصر الصواعق المرسله ۹۰/۱].

دیدگاه حافظ ابن کثیر

ابن کثیر رحمته الله در تفسیرش پس از آنکه تفسیر درست آیه شوری را بیان می‌کند و

توضیح می‌دهد که منظور از «القربی» در آیه کریمه قبائل قریش هستند، و تفسیر ابن عباس رضی الله عنه درباره آیه مذکور را نیز که در صحیح بخاری آمده به عنوان مؤید این دیدگاه نقل می‌کند می‌فرماید:

«ما منکر وصیت و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره اهل بیت و امر به احسان و نیکو کاری نسبت به آنان و اکرام و احترامشان نیستیم، زیرا آنان از «ذریه طاهره» هستند، پاک‌ترین و شرافتمندترین خاندانی که بر روی زمین وجود دارد، شرافت در حسب، شرافت در نسب، شرافت در عزت و افتخار بویژه اینکه اگر آنان پیرو سنت صحیح نبوی باشند طوری که اسلافشان مانند عباس و فرزندان او علی و اهل بیت و ذریه‌اش رضی الله عنهم اجمعین بودند.»

الگو برداری در حب اهل بیت:

آنگاه ابن کثیر پس از آنکه دو اثر از ابوبکر صدیق رضی الله عنه و يك اثر از عمر فاروق رضی الله عنه در بیان احترام اهل بیت و شان و منزلت رفیع آنان نقل می‌کند می‌فرماید:

« این حالت شیخین رضی الله عنهما است و بر هر فردی از افراد امت واجب است که چنین باشد، به همین دلیل است که آنان (یعنی ابوبکر صدیق و عمر فاروق رضی الله عنهما) پس از انبیاء و مرسلین از تمام مؤمنین افضل هستند، خداوند از آنان و از سایر اصحاب پیامبر راضی و خوشنود باد.»

دیدگاه حافظ ابن حجر

قدر زر زرگر شناسد:

ابن حجر رضی الله عنه در فتح الباری (۱۱/۳) در حدیثی که در سندش علی بن حسین (زین العابدین) از حسین ابن علی، از علی ابن ابی طالب رضی الله عنه آمده است می‌فرماید:

«وهذا من أصح الأسانید ومن أشرف التراجم الواردة فيمن روي عن أبيه عن جده» «و این صحیح ترین سند از شریف ترین خاندان درباره کسی آمده است که از پدرش، و پدرش از جدش روایت کرده است».

دیدگاه شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب

شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب رحمته الله شش پسر و یک دختر داشته که اسم پسرانش عبدالله، علی، حسن، حسین، ابراهیم و عبدالعزیز و اسم دخترش فاطمه بوده است که همه‌ی شان جز عبدالعزیز از اسمهای اهل بیت است.

عبدالله و ابراهیم پسران خود حضرت صلى الله عليه وآله وسلم بوده. و بقیه علی و فاطمه و حسن و حسین اسمهای داماد، دختر و دو نوه ایشان - والله اعلم - است. انتخاب این نامها از سوی شیخ الاسلام محمد بن عبدالوهاب برای فرزندان دلالت بر محبت و احترام فوق العاده‌ی ایشان نسبت به اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم می‌کند، و این نامها تا امروز نیز در خاندانش ادامه دارد.

شکر و سپاس الله:

در پایان این فصل دوست دارم (این جانب نویسنده کتاب) به عرض برسانم که خداوند به من چند دختر و پسر داده که از جمله چهار تایی آنان را علی، حسن، حسین، و فاطمه نام گذاشته‌ام، و هفت دخترم را به نامهای امهات المؤمنین مسمی کرده‌ام که هم صحابه و هم اهل بیت هستند.

خدا را سپاس که محبت صحابه و اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را به من عنایت فرمود و از خداوند می‌خواهم که این نعمت را بر من دائم و قائم بدارد و قلبم را از هر گونه کینه و حسد و زبانم را از تلفظ هر آنچه که شایسته مقام و منزلت والای آنان نیست پاک و محفوظ بدارد.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا! ما را و آن برادرانمان را که در ایمان آوردن از ما پیشی گرفتند. بیامرز، و در دل‌های ما هیچ کینه‌ای در حق کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار مده. پروردگارا! تویی که بخشنده‌ی مهربانی.»

فصل ششم:

ستایش بعضی علماء از عده‌ای صحابه اهل بیت

عباس ابن عبدالمطلب رضی الله عنه (عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

امام ذهبی در سیر اعلام النبلاء (۲/۷۹-۸۰) می‌فرماید:

«او در میان مردان، قد بلند و چهره زیبا و درخشان و صدای رسایی داشت به شدت برد بار بود و... الخ».

زبیر بن بکار می‌فرماید:

«عباس نسبت به بنی‌هاشم بسیار مهربان بود، نادارشان را لباس می‌پوشاند و غذا می‌داد، و جاهلشان را کنترل می‌کرد، به همسایه آزار نمی‌رساند، به سخاوت مال خرج می‌نمود و به مصیبت زدگان رسیدگی می‌کرد».

حمزه ابن عبدالمطلب رضی الله عنه (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

ابن عبدالبر در الاستیعاب (۱/۲۷۰) چایی که در حاشیه الإصابة چاپ شده

می‌فرماید:

حمزه ابن عبدالمطلب بن هاشم عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، به او «أسد الله وأسد رسوله» یعنی: «شیر خدا و رسولش» گفته می‌شد، کنیه‌اش أبو عماره و گاهی أبو یعلی بود.

امام ذهبی درباره حمزه رضی الله عنه می‌فرماید:

«امام قهرمان، شیر خدا، أبو عماره و ابو یعلی قریشی هاشمی مکی مدنی بدری

شهید، عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و برادر رضاعی ایشان است». (سیر ۱/۱۷۲)

علی ابن ابی طالب (امیر المؤمنین علیه السلام) پیامبر صلی الله علیه و آله

احترام عایشه به علی:

امام مسلم در صحیحش (۲۷۶) با سند خودش از شیریح بن هانئ روایت می کند که فرمود:

«أَتَيْتُ عَائِشَةَ أَسْأَلُهَا عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الْخُفَّيْنِ فَقَالَتْ عَلَيْكَ بِإِبْنِ أَبِي طَالِبٍ فَسَلِّهُ فَإِنَّهُ كَانَ يُسَافِرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. فَسَأَلْنَاهُ فَقَالَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَكَيْالِيَهُنَّ لِلْمُسَافِرِ وَيَوْمًا وَكَيْلَةً لِلْمَقِيمِ».

«خدمت عایشه رضی الله عنها آمدم و از ایشان درباره مسح بر موزه پرسیدم فرمود:

از علی ابن ابی طالب علیه السلام پرس زیرا او همیشه با پیامبر صلی الله علیه و آله سفر می کرد، وقتی از ایشان پرسیدم، فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مسافر سه شبانه روز و برای مقیم یک شبانه روز تعیین فرمودند».

و در روایت دیگری آمده است که ام المؤمنین فرمود:

«أَتَيْتُ عَلِيًّا فَأَعْلَمَ بِذَلِكَ مِنِّي فَأَتَيْتُ عَلِيًّا فَذَكَرَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله بِمِثْلِهِ». «نزد علی برو زیرا که او از من در این مسئله داناتر است پس نزد علی آمدم، او از پیامبر صلی الله علیه و آله مثل حدیث سابق ذکر کرد».

فضایل مستند علی:

ابن عبدالبر رحمته الله در الاستیعاب ۵۱/۳ حاشیه الاصابه می فرماید:

«احمد بن حنبل و اسماعیل بن اسحاق القاضی فرمودند:

با سند درست به اندازه ای که در فضائل علی ابن ابی طالب آمده درباره ی هیچ صحابی ای اینقدر فضائل نیامده است، امام احمد بن شعیب بن علی نسائی رحمة الله علیه نیز همین را فرموده است».

شناخت علی:

همچنین می‌فرماید: (۴۷/۳)

از حسن ابن ابی الحسن بصری در باره‌ی علی ابن ابی طالب رضی الله عنه پرسیده شد، فرمود:

«علی تیری از تیرهای خدا بر دشمنان خدا بود که به هدف می‌خورد، علی ربانی این امت و صاحب فضیلت و صاحب سبقت و صاحب قرابت با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. علی کسی نبود که جایی که حکم خدا باشد او را خواب ببرد، یا در دین خدا ملامتی بپذیرد یا مال خدا را بدزدد. او دشوارترین اوامر قرآن را بکار بست. که سر انجام به بهشت برین رستگار شد، این است علی ابن ابی طالب پسرعموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم».

به ترتیب فضیلت:

همچنین می‌فرماید: (۵۲/۳)

«اصم از عباس الدوری از یحیی ابن معین رحمة الله علیه نقل می‌کند که فرمود: بهترین این امت بعد از پیامبرمان ابوبکر سپس عمر سپس عثمان سپس علی است، این است مذهب ما و قول ائمه ما».

افراط و تفریط در حب علی:

همچنین می‌فرماید: (۶۵/۳)

«ابو احمد الزبیری و دیگران از مالک بن مغول از اکیل از شعبی نقل کرده‌اند که فرمود:

علقمه به من گفت: آیا میدانی مثال علی ابن ابی طالب در این امت چگونه است؟ گفتم چگونه است؟ فرمود:

مانند عیسی ابن مریم است که گروهی ایشان را دوست داشتند اما آنقدر در دوستی اش افراط کردند که بخاطر دوست داشتنش هلاک شدند، و گروهی با ایشان بغض ورزیدند و آنقدر در این بغض ورزی تندروی کردند که بخاطر بغضش هلاک شدند».

پرچم دار اسلام علی:

و همچنین می فرماید: (۳۳/۳)

«اجماع کرده اند که (حضرت علی) به سوی هر دو قبله نماز خوانده و هجرت کرده، و در بدر و حدیبیه و سایر غزوات شرکت کرده و در بدر و أحد و خندق و خیبر شدیداً مورد ابتلاء و آزمایش قرار گرفته است، و اینکه در آن غزوات امتحان خوبی پس داده و مقام والایی کسب کرده، و پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله در بسیاری جاها در دست ایشان بوده است، در غزوه بدر نیز با اینکه اندکی اختلاف نظر وجود دارد پرچم در دست ایشان بوده است و در غزوه أحد هنگامی که مصعب ابن عمیر رضی الله عنه به شهادت رسید و پرچم را به دست داشت رسول الله صلی الله علیه و آله پرچم را بدست علی دادند».

احترام ابوبکر و عمر به علی:

ابن تیمیه رحمته الله در منهاج السنه (۱۷۸/۶) می فرماید:

«ابوبکر و عمر همواره تا می توانستند علی را اکرام و احترام می نمودند، و ایشان و بلکه سایر بنی هاشم را در عطایا ترجیح می دادند، و از نظر احترام و محبت و موالات و ستایش و تعظیم همواره ایشان را بر بقیه مقدم می داشتند، چنانکه با دیگر کسانی که مثل ایشان (از اهل بیت) بودند عمل می کردند، و جایی که خداوند متعال علی را بر کسانی که مثل او نبودند فضیلت بخشیده بود آنان نیز او را فضیلت می دادند، هرگز

کلمه زشتی از آنان در باره‌ی علی علیه السلام شنیده نشده و نه حتی در باره‌ی هیچ فردی از بنی هاشم».

احترام علی به ابوبکر و عمر:

همچنین می‌فرماید:

«نیز به تواتر از علی علیه السلام ثابت شده که با ابوبکر و عمر رضی الله عنهما محبت و دوستی داشته و به آنان همواره احترام می‌گذاشته و آنان را بر سایر امت ترجیح می‌داده است، هرگز از او ثابت نشده که کلمه زشتی در باره‌ی آنان گفته باشد و نه هرگز ادعا کرده که او از آنها در امر خلافت مستحق‌تر است.

این موضوع در نزد کسانی که روایات ثابت و متواتر را در نزد خاصه و عامه می‌شناسند و به روایاتی که بوسیله‌ی راویان ثقه و معتمد نقل شده آشنائی دارند معلوم و روشن است».

دیدگاه اهل سنت نسبت به علی:

همچنین می‌فرماید: (۱۸/۶)

«اهل سنت علی علیه السلام را دوست داشته و با ایشان محبت و مودت دارند، و گواهی می‌دهند که ایشان از خلفای راشدین و ائمه مه‌دیین است».

و ابن حجر رحمة الله علیه در تقریب می‌فرماید:

«علی ابن طالب بن عبدالمطلب بن هاشم هاشمی حیدر أبو تراب و ابوالحسنین، پسر عمو و داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سابقین اولین، بلکه عده‌ای ترجیح داده‌اند که او اولین کسی بود که مسلمان شد، پس او از عربها جلو است، و یکی از عشره مبشره است، در رمضان سال چهل به شهادت رسید و آن روز که به شهادت

رسید به اجماع اهل سنت از میان همه کسانی که در روی زمین زنده بودند بهتر بود، و بنا بر قول راجح شصت و سه سال داشت.»

فرزندان علی:

علی ابن طالب علیه السلام پانزده پسر و هیجده دختر داشتند، این قول را العامری در (الریاض المستطابه فی جمله من روی فی الصحیحین من الصحابه) (ص ۱۸۰) ذکر کرده است، آنگاه اسمایشان و اسمای مادرانشان را مفصل ذکر می‌کند، سپس می‌فرماید:

«نسل علی ابن ابی طالب فقط از پنج فرزندش یعنی: حسن و حسین و محمد و عمر و عباس بجا مانده است.»

حسن ابن علی علیه السلام (نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

مصلح امت حسن:

ابن عبدالبر رحمته الله در الاستیعاب (۱/۳۶۹) حاشیه الاصابه می‌فرماید: «آثار صحیحه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تواتر رسیده که ایشان در باره‌ی حسن بن علی فرمودند:

«إن ابني هذا سيد وعسى الله أن يبقيه حتى يصلح به بين فئتين عظيمتين من المسلمين» «یقیناً این پسر من سید - در لغت سردار- است از خداوند امیدوارم که او را باقی گذارد تا اینکه بوسیله او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح برقرار گرداند.»

گل خوشبوی پیامبر حسن:

این حدیث را عده‌ای از صحابه روایت کرده‌اند، در همین مورد در روایت ابی بکر آمده است که «وإنه ریحانتي من الدنيا». «او گل خوشبوی من از دنیا است».

دلسوزامت حسن:

کسی را که رسول الله ﷺ سید فرمودند: هیچ کس نمی‌تواند از او سیدتر باشد و او رحمة الله علیه بردبار، پرهیزگار و بزرگوار بود، و تقوا و بزرگواری‌اش او را وادار کرد که به خاطر آنچه در نزد خدا وجود دارد دنیا و حکومت را رها کند- لذا با حضرت معاویه رضی الله عنه صلح کرد- و فرمود:

«والله! ما احببت - منذ علمت ما ينفعني ويضرني - أن ألى أمر أمة محمد ﷺ
علي أن يهراق في ذلك محجمة دم».

«بخدا قسم از روزی که ضرر و فایده خودم را شناخته‌ام نپسندیده‌ام که امر امت محمد ﷺ را من بدوش گیرم و در ازای آن یک پیاله خون بریزد».

ایشان از کسانی بود که با عشق و علاقه از عثمان رضی الله عنه و مدافعان ایشان حمایت می‌کرد.

ستایش از حسن:

امام ذهبی در سیر (۳/۲۴۵-۲۴۲) در باره‌ی ایشان می‌فرماید:

«امام سید ریحان (گل خوشبو) و نوه رسول الله ﷺ و سردار جوانان بهشت ابو محمد قریشی هاشمی مدنی شهید».

همچنین می‌فرماید: (۳/۲۵۳)

«این امام سید و خوش سیما، عاقل و پاکدامن، سخاوتمند و دوست داشتني، خیر خواه و دیندار، و پرهیزگار و باحیا و بزرگوار بود».

احترام ابوبکر و عمر به حسن:

ابن کثیر در البداية والنهاية (۱۹۲/۱۱-۱۹۳) در باره‌ی ایشان می‌فرماید:
 «ابوبکر صدیق همواره نسبت به ایشان اجلال و احترام قائل می‌شد و ایشان را اکرام می‌کرد و با کلماتی همچون جانم فدایت باد و پدر و مادرم فدایت باد از ایشان پذیرایی می‌کرد. عمر فاروق نیز با او چنین بود».

حامی عثمان حسن:

در ادامه می‌فرماید:

«همچنین حضرت عثمان بن عفان نیز حسن و حسین را اکرام می‌نمود و دوستشان می‌داشت، هنگامی که عثمان ذی النورین در محاصره بود حسن ابن علی نزد ایشان بود و در حالی که شمشیرش را حمایل کرده بود از حضرت عثمان دفاع می‌نمود، حضرت عثمان در باره‌ی سلامتی حضرت حسن اظهار نگرانی کرد و ایشان را قسم داد که به خانه‌شان برگردد زیرا می‌ترسید که مبادا به گل خشبوی رسول الله گزندی برسد و در ضمن می‌خواست دل علی را شاد کند».

حسین بن علی علیه السلام (سبط رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)**عابدی خداجو:**

ابن عبدالبر رحمته الله در الاستیعاب (۳۷۷/۱ حاشیه الاصابه) می‌فرماید:
 «حسین فاضل و دیندار بود، خیلی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند و حج می‌کرد».

افتخار شهادت:

ابن تیمیه در مجموع الفتاوايش (۵۱۱/۴) می‌فرماید:

حسین علیه السلام خداوند متعال در چنین روز بزرگی - روز عاشورا- به ایشان افتخار شهادت بخشید و بدینوسیله کسانی که ایشان را به شهادت رسانده یا همکاری کرده یا به آن راضی بوده‌اند را خوار و رسوا نمود، شهدای پیش از او برایش الگوی نیکی بودند، زیرا ایشان و برادرشان حسن سردار جوانان بهشت هستند و از آنجایی که در اوج عزت و پیروزی اسلام متولد و بزرگ شده بودند، و نتوانستند به اندازه بقیه اهل بیت رسول الله در هجرت و جهاد و صبر بر تکالیف در راه خدا سهم بگیرند لذا خداوند آنان را به افتخار شهادت نائل گردانید (تکمیلاً لکرامتهم) تا اینکه عزت و کرامتشان را بدینوسیله تکمیل و درجاتشان را بلند کرده باشد.

با این وجود، شهادت ایشان برای ما مسلمین مصیبت بزرگی بود، و خداوند برای هنگام مصیبت مشروع فرموده که (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) خوانده شود یعنی همه ما از خداییم و بسوی خدا باز می‌گردیم چنانکه می‌فرماید:

﴿...وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۶].

«و به بردباران (بر این آزمون) مژده بده، کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، گویند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾».

ستایش از حسین:

امام ذهبی رحمته الله در باره‌ی ایشان در (سیر ۲۸۰/۳) می‌فرماید:

«امام، سید کامل، نوه پیامبر صلی الله علیه و آله و ریحانه و محبوب ایشان أبو عبدالله حسین بن أمیرالمؤمنین أبوالحسن علی ابن أبی طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی قریش هاشمی».

احترام خلفای راشدین به حسین:

و ابن کثیر رحمته الله در البداية و النهایة (۴۷۶/۱۱) می فرماید:

«مقصود این است که حسین با رسول الله صلی الله علیه و آله هم عصر بوده و در صحبت ایشان بوده تا اینکه حضرتش صلی الله علیه و آله در حالی وفات کردند که از او راضی بودند، اما او کوچک بود، سپس حضرت صدیق ایشان را اکرام و احترام می کرد، و همچنین عمر و عثمان، با پدرش هم صحبت بوده و از ایشان حدیث روایت کرده، در تمام جنگهایش با وی همراه بوده از جمله در جمل و صفین، و ایشان همواره شخصیت محترم و بزرگواری بود.»

عبدالله بن عباس رضی الله عنه (پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله)

تجلیل عمر از ابن عباس:

امام بخاری در صحیحش (۴۹۷۰) از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که فرمود:

«عمر همیشه مرا با اهل بدر پذیرایی می کرد گویا بعضی به دلشان چیزی رسیده بود، یکی گفت چرا این پسر را در جمع ما می نشانی در حالی که ما نیز مانند او پسر داریم؟ عمر فرمود شما می دانید چرا؟ روزی مرا صدا کرد و با آنها نشانند من فهمیدم که منظور شان، نشان دادن من به آنها است، امیرالمؤمنین پرسید در باره ی ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ ^(۱) چه می گوئید؟ بعضی گفتند به ما دستور داده شده که هرگاه فتح و پیروزی نصیبمان شد خدا را سپاس گوئیم و از او آمرزش بطلبیم، بعضی ساکت ماندند و چیزی نگفتند روی به من کرد و فرمود:

ابن عباس! آیا تو هم چنین می گویی؟ گفتم خیر! فرمود: پس چه می گویی؟ گفتم خداوند خواسته بدینوسیله اجل پیامبرش صلی الله علیه و آله را به ایشان گوشزد کند گویا فرمود:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ این علامت اجل توست، ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾

وَأَسْتَغْفِرُ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣٠﴾ عمر رضی الله عنه فرمود: آنچه تو می‌گویی من نیز از این آیه همین را فهمیدم».

ستایش از ابن عباس:

و در طبقات ابن سعد (۳۶۹/۲) از حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه روایت است که فرمود:

«از ابن عباس تیز هوش‌تر و عاقل‌تر و عالم‌تر و بردبارتر ندیدم، شاهد بودم که عمر فاروق چگونه در هنگام سختی‌ها او را فرامی‌خواند».

همچنین در طبقات ابن سعد (۳۷۰/۲) از حضرت طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه روایت است که فرمود:

«حقا که به ابن عباس فهم و درک و علم فوق العاده‌ای داده شده بود، بیاد ندارم که عمر بن خطاب هیچکس را بر او مقدم می‌داشت».

عالمی بی‌نظیر:

همچنین در طبقات ابن سعد (۳۷۰/۲) از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که هنگامی که خبر وفات ابن عباس رضی الله عنه را شنید دست بر دست زد و فرمود:

«عالم‌ترین و بردبارترین مردم رفت، با موت او خلایق در امت پدید آمد که پرشدنی نیست».

همچنین در طبقات از ابوبکر بن محمد بن عمرو بن حزم روایت است که فرمود:

«هنگامی که ابن عباس وفات کرد رافع ابن خدیج فرمود: امروز کسی از دنیا رفت که همه مردم از مغرب تا مشرق در علم به او نیاز داشتند».

در الاستیعاب ابن عبدالبر (۳۴۴-۳۴۵) از مجاهد روایت شده که فرمود:

«فتاوی‌ای بهتر از فتاوی ابن عباس نشنیده‌ام، مگر اینکه کسی بگوید رسول الله صلی الله علیه و آله چنین فرمود. عین این مطلب از قاسم بن محمد - ابن ابوبکر - نیز روایت شده است.»

مفسر قرآن:

ابن کثیر رحمته الله در البداية و النهایة (۸۸/۱۲) می‌فرماید:

«از عمر ابن خطاب ثابت شده که ابن عباس را با مشایخ صحابه می‌نشاند و می‌فرمود: «نعم ترجمان القرآن عبدالله ابن عباس» «چقدر مفسر خوبی برای قرآن است عبدالله بن عباس.»

هرگاه ایشان می‌آمد، عمر رضی الله عنه می‌فرمود: «جاء فتي الكهول و ذواللسان السئول و القلب العقول» «جوان با تجربه و دارای زبان بسیار پرسشگر و قلب بسیار عاقل و دانا آمد.»

جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه (پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله)

مهمان نوازی جعفر:

در صحیح بخاری (۳۷۰۸) با روایت ابو هریره رضی الله عنه آمده است که فرمود:

«وَكَانَ أَحْيَرَ النَّاسِ لِلْمُسْكِينِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، كَانَ يَنْقَلِبُ بِنَا فَيَطْعِمُنَا مَا كَانَ فِي بَيْتِهِ، حَتَّىٰ إِنْ كَانَ لِيُخْرِجَ إِلَيْنَا الْعُكَّةَ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ، فَشَقُّهَا فَتَلْعَقُ مَا فِيهَا.»

«جعفر ابن ابی طالب برای مساکین بهترین مردم بود همیشه ما را با خود به خانه‌اش می‌برد حتی گاهی که چیز دیگری نبود مشک خالی شده را پاره می‌کرد بین ما تقسیم می‌کرد تا اینکه اگر چیزی داشت بلیسیم.»

فضیلت جعفر:

حافظ ابن حجر در شرحش بر بخاری (فتح الباری ۷/۷۶) می‌فرماید:

«مطلقاً که از عکرمه آمده نیز بر این مقید حمل می‌شود.

عکرمه از ابو هریره رضی الله عنه نقل می‌کند که فرمود:

«ما احتذی النعال و لا ركب المطايا بعد رسول الله صلی الله علیه و آله أفضل من جعفر بن

ابی طالب» روایت از ترمذی و حاکم با اسناد صحیح است.

«بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی کفش نپوشیده و بر سواری سوار نشده که از

جعفر ابن ابی طالب بهتر باشد».

جعفر تاج مجاهدین!:

امام ذهبی در باره‌ی ایشان در سیر (۲۰۶/۱) می‌فرماید:

«ایشان سید، شهید بزرگوار، تاج مجاهدین أبو عبدالله پسر عموی

رسول الله صلی الله علیه و آله عبد مناف بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قصی هاشمی،

برادر علی بن ابی طالب است که ده سال از علی بزرگتر بود.

هر دو مرتبه هجرت کرده و از حبشه به مدینه هجرت کرده و خود را در غزوه

خیبر به مسلمانان رساند اما هنگامی رسید که آنها خیبر را فتح کرده بودند، چند ماه

در مدینه ماند، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله ایشان را به فرماندهی لشکری بر گزید که

عازم مؤته در منطقه کربک بودند و در آن غزوه به شهادت رسید، هنگام مسلمان

شدنش رسول الله صلی الله علیه و آله بسیار خوشحال شدند، و طبعاً هنگام شهادتش بسیار

غمگین گردیدند».

جعفر پدر مساکین:

و در تقریب ابن حجر آمده است که فرمود:

«ایشان جعفر ابن ابی طالب هاشمی ابو المساکین، ذوالجناحین صحابی جلیل القدر، پسر عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در سال هشتم هجرت در غزوه مؤته بشهادت رسید، ذکرش در صحیحین آمده است، اما روایتی از ایشان در این دو کتاب نقل نشده است».

پرواز جعفر در بهشت!:

به این دلیل به ایشان ذوالجناحین گفته می شود که در عوض دو دست ایشان که در غزوه مؤته قطع شد دو بال داده شد که با فرشتگان پرواز کند.

احترام ابن عمر به جعفر:

در صحیح بخاری (۳۷۰۹) با سند ایشان تا شعبی آمده است که:

«أَنَّ ابْنَ عُمَرَ رضی الله عنه كَانَ إِذَا سَلَّمَ عَلَى ابْنِ جَعْفَرٍ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ ذِي الْجَنَاحَيْنِ». «عبدالله ابن عمر ان خطاب رحمته الله هرگاه عبدالله ابن جعفر را سلام می کرد می فرمود: سلام بر تو ای فرزند ذوالجناحین».

حافظ ابن حجر در شرحش می فرماید:

گویا به حدیث عبدالله بن جعفر اشاره دارد که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «هنیئالك أبوك يطير مع الملائكة في السماء». «مبارک باد بر تو که پدرت با فرشتگان در آسمان پرواز می کند».

طبرانی با سند حسن روایتش کرده است.

آنگاه طرق دیگری نیز از ابو هریره و علی و ابن عباس ذکر کرده و می فرماید:

جعفر در رکاب جبرئیل:

در روایتی از ابن عباس آمده است: «أَنَّ جَعْفَرَ يَطِيرَ مَعَ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ لَهُ جَنَاحَانِ عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْ يَدَيْهِ» «جعفر با جبرئیل و میکائیل پرواز می‌کند، دو بال دارد که خداوند در عوض دو دستش به او داده‌است».
 آنگاه می‌فرماید: این روایت اسنادش جید است.

عبدالله پسر جعفر رضی الله عنه (پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم)

در آغوش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

در صحیح مسلم (۲۴۲۸) از عبدالله بن جعفر روایت است که فرمود:
 «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ تَلَّقَى بِصَبِيَّانِ أَهْلِ بَيْتِهِ - قَالَ - وَإِنَّهُ قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ فَسَبَقَ بِي إِلَيْهِ فَحَمَلَنِي بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ جِئْتُ بِأَحَدِ ابْنَيْ فَاطِمَةَ فَأَرَدَفَهُ خَلْفَهُ - قَالَ - فَأَدْخَلْنَا الْمَدِينَةَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْمًا عَلَى دَابَّةٍ».

یعنی «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه از سفر باز می‌گشتند با کودکان اهل بیت شان ملاقات می‌کردند، باری ایشان از سفر بازگشتند من هم به پیشوازشان برده شدم، حضرت مرا جلویشان سوار کردند، سپس یکی از پسران فاطمه - حسن یا حسین - آورده شد او را پشت سرشان سوار کردند می‌گوید: آنگاه سه تایی مان در حالی که بر يك اسب سوار بودیم وارد مدینه شدیم».

ستایش از پسر جعفر:

امام ذهبی رحمته الله در سیر (۴۵۶/۳) در باره‌ی ایشان می‌فرماید:

«او سید عالم، أبو جعفر قریشی هاشمی، متولد حبشه، ساکن مدینه، سخاوتمند پسر سخاوتمند، ذی الجناحین است، که افتخار صحابه بودن را دارد، و حدیث هم روایت کرده، جزو صحابه کم سن و سال به شمار می آید، پدرش در غزوه مؤته به شهادت رسید، سر پرستی او را پیامبر صلی الله علیه و آله بدوش گرفتند، و در بغل ایشان بزرگ شده است».

همچنین می فرماید:

«او شخصیت بزرگوار، مکرم و سخاوتمندی بود که صلاحیت امامت و رهبری داشت (البته نه به مفهوم شیعی آن)».

ابان اموی پیش نماز جنازه پسر جعفر اهل بیت!:

در الریاض المستطابه عامری (ص ۲۰۵) آمده است که:

«نماز جنازه اش را ابان ابن عثمان ابن عفان خواند که در آن زمان استاندار مدینه بود، ابان در حالی تابوتش را حمل می کرد که اشک از چشمانش سرازیر بود و می فرمود: به خدا سوگند خیر مطلق بودی که بدی در تو نبود، و شریف و فاضل و نیکو کار بودی».

دیگر صحابه ی رسول الله

از دیگر صحابه ی رسول الله صلی الله علیه و آله که از اهل بیته بودند چند نفر ذیل را نیز می توان نام برد:

* أبوسفیان، نوفل، ربیعہ، عبیدہ، فرزندان حارث بن عبدالمطلب.

* عبدالمطلب بن ربیعہ بن حارث ابن عبدالمطلب.

* حارث و مغیره پسران نوفل بن حارث ابن عبدالمطلب.

* جعفر و عبدالله پسران ابوسفیان ابن حارث ابن عبدالمطلب.

* معتب و عتبه پسران ابو لهب عبدالعزی بن عبدالمطلب.

*و فضل و عبیدالله پسران عباس ابن عبدالمطلب.

فصل هفتم:

ستایش بعضی علماء برگروهی از صحابیات اهل بیت

فاطمه زهراء علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

ستایش عایشه از فاطمه:

از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود:

«مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ سَمْتًا وَدَلًّا وَهَدْيًا بِرَسُولِ اللَّهِ فِي قِيَامِهَا وَقُعُودِهَا مِنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم».

روایت از أبو داود (۵۲۱۷) و ترمذی (۳۸۷۲) و اسنادش حسن است.

«کسی را ندیدم که در سیما و رفتار و کردار و نشست و برخاستش از دخترشان

فاطمه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبیه تر باشد».

شخصیت فاطمه:

أبو نعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء (۳۹/۲) می فرماید:

«و از دیگر زنان عبادت گزار و پاکدامن و پرهیزگار تاریخ حضرت فاطمه علیها السلام است، سیده بتول، جگر گوشه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، کسی که بیش از همه به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شباهت داشت، ایشان فاطمه را بیش از سایر فرزندان ایشان دوست می داشتند، او در قلبشان جای داشت از میان اهل بیت، فاطمه اولین کسی بود که پس از وفاتشان به ایشان ملحق شد، فاطمه از دنیا و نعمتهایش رویگردان بود، و عیوب و آفات پیچیده دنیا را خوب می شناخت».

القاب منحصر به فرد فاطمه:

امام ذهبی رحمته الله در سیر (۱۱۸/۲-۱۱۹) می‌فرماید:

او در زمان خودش سردار زنان جهان بود، جگر گوشه پیامبر (الحجة المصطفویة) (أم ابیها) دختر سردار مخلوقات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابو القاسم محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف قریشی هاشمی و أم الحسنین) و می‌فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شدت او را دوست می‌داشتند و اکرام می‌کردند و با او راز دل می‌نمودند، و فضائل او بسیار است. او زن صابر و دیندار و خیرخواه و پاکدامن و قانع و شکر گذاری بود.»

ابن کثیر رحمته الله در البداية والنهاية (۴۸۵/۹) می‌فرماید:

کنیه او (أم ابیها) یعنی «مادر پدرش!» بود و می‌فرماید: «بنابر قول مشهور کوچکترین دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، هنگام وفات حضرت صلی الله علیه و آله و سلم جز او فرزند دیگری زنده نبود، لذا پاداش بزرگی برد، چون به خاطر وفات حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم صدمه‌ی شدیدی تحمل کرد.»

أم المؤمنین خدیجه بنت خویلد رحمته الله

امام ذهبی در سیر (۱۰۹/۲-۱۱۰) می‌فرماید:

«او ام المؤمنین و سردار زنان جهان در زمان خودش بود، مادر فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (به جز ابراهیم) و اولین کسی که قبل از همه به حضرتش ایمان آورد و تصدیق نمود و به ایشان دلداری و تسلی داد. فضائل ایشان فراوان است، ایشان یکی از زنانی است که کامل شده است، زن عاقل، با شخصیت، دیندار، پاکدامن و معززی بود، و (طبق روایات) از اهل بهشت بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از ایشان ستایش می‌نمود و او را بر تمام امهات المؤمنین ترجیح می‌داد و به شدت احترام می‌نمود. از

افتخاراتش اين بود كه رسول الله ﷺ قبل از او با همسر ديگري ازدواج نكرده بود. چند فرزند آورد و تا او زنده بود پيامبر ﷺ نه ازدواج كردند و نه كنيزي به خانه آوردند. وفات او بر پيامبر ﷺ خيلي تاثير كرد چون بهترين ياور ايشان بود. خداوند به پيامبرش ﷺ دستور داده بود كه به او مژده قصری در بهشت دهد، قصری كه از نى ساخته شده كه نه در آن شور و غوغايی است و نه خستگي و كسالتی».

ابن قيم رحمته در جلاء الافهام (ص ۳۴۹) می فرماید:

«از خصائص ام المؤمنین خديجه اين بود كه خداوند بوسيله جبريل عليه السلام برايش سلام فرستاده است».

آنگاه ابن قيم می فرماید:

«اين افتخار را جز ايشان هيچ كس ندارد».

(البته اين ثابت است كه جبريل عليه السلام بوسيله رسول الله ﷺ برای ام المؤمنین عائشه صديقه سلام فرستاد. مترجم).

مقایسه‌ای بين دو مادر مؤمنان:

ابن قيم همچنين می فرماید:

«از ديگر خصائص ام المؤمنین خديجه اين است كه بهترين و افضل ترين زن در اين امت است، و در اينكه آیا ايشان افضل است يا ام المؤمنین عائشه عليها السلام سه قول است. قول سوم توقف است، وقتی از استادمان ابن تيميه رحمه الله عليه در اين باره پرسيدم؟ فرمود: هر کدام آنان خصوصياتی دارد، خديجه در اول اسلام تأثير داشت، رسول الله ﷺ را تسلي و دلداري می داد و آرامش می بخشيد و با دست باز مالش را در خدمت ايشان خرج می كرد، خلاصه ايشان آغاز اسلام را درك نمود و در راه خدا و رسولش ﷺ آزار و اذيت زيادی تحمل كرد، و زماني پيامبر ﷺ را نصرت و ياری فرمود كه ايشان به كمك و نصرت نياز شديدی داشتند، ايشان آنقدر مال خرج

کرد و حضرتش صلی الله علیه و آله را یاری نمود که هیچکس دیگری چنین نکرد، و لی تأثیر عایشه رضی الله عنها در آخر اسلام بود، ایشان بقدری علم و دانش و تفقه در دین داشت و به امت تبلیغ نمود و فرزندان او را نفع رساند و علم آموخت که کس دیگری چنین افتخاری نداشت. این معنی کلام شیخ بود.»

أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها

عالمترین زن جهان عایشه!

امام ذهبی در سیر (۱۴۰/۲) می‌فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله با دوشیزه دیگری جز ایشان ازدواج نکردند، و هیچ یک از همسرانشان را به اندازه ایشان دوست نمی‌داشتند و در امت محمد صلی الله علیه و آله - و حتی در تمام زنان - زنی عالمتر از ایشان وجود نداشته است.»

زنی که قرآن صدقتش را اعلان کرد!

همچنین در سیر (۱۸۱/۲) از علی ابن الاقمر روایت است که فرمود:

«مسروق وقتی از عایشه رضی الله عنها حدیث روایت می‌کرد می‌فرمود: «حدیثی الصدیقه بنت الصدیق، حبیبه حبیب الله المبرّاة من فوق سبع سماوات فلم أكذبها» صدیقه دختر صدیق، حبیبه‌ی حبیب خدا، کسی که پاکی و برائت او از بالای هفت آسمان نازل شده برایم حدیث روایت کرده، هرگز تصور دروغ درباره‌اش نکردم.»

خصایص منحصر به فرد عایشه:

ابن قیم در جلاء الافهام (ص ۳۵۱-۳۵۵) بخش مهمی از خصائص ایشان را ذکر کرده است که خلاصه‌اش چنین است:

«*او در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله محبوبترین مردم بود.»

* حضرتش با دوشیزه دیگری جز او ازدواج نکردند.

* گاهی وحی در حالی بر حضرتش صلی الله علیه و آله نازل می شد که در لحاف او بودند.

* هنگامی که آیه تخییر نازل شد اول از او آغاز کردند و او را مخیر گذاشتند که او خدا و رسولش را انتخاب کرد، سپس بقیه همسرانشان را مختار گذاشتند که همگی خدا و رسولش را برگزیدند.

* و اینکه خداوند از تهمتی که منافقان به او زدند او را پاك و مبرا اعلان نمود و در اثبات آن آیاتی در کلام مجیدش نازل فرمود که تا روز قیامت در مساجد و نمازهای مسلمین تلاوت می شود.

* خداوند گواهی داد که او از «طبیات» است و به او وعده «مغفرت» و «رزق گرامی» نمود.

* جالب است که با داشتن این منزلت رفیع و شأن عالی باز هم تواضع می کند و می فرماید:

«ولشأني في نفسي أهون من أن ينزل الله في قرآنا يتلي».

«من در دلم کوچکتر از آن بودم که خداوند در باره‌ی من آیاتی از قرآن نازل کند که برای همیشه تلاوت گردد».

* بزرگان صحابه رضی الله عنهم هرگاه در مسائل دینی به مشکلی بر می خوردند از ایشان می پرسیدند، و جوابشان را می گرفتند.

* و اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه ایشان و در نوبت ایشان و در بغل ایشان وفات نمودند.

* و اینکه قبل از ازدواج رسول الله صلی الله علیه و آله با ایشان فرشته عکس ایشان را در پارچه

ابریشمی به رسول الله صلی الله علیه و آله نشان داد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إن يكن هذا

من عند الله یمضه» «اگر این امر از طرف خدا باشد خداوند آن را عملی خواهد کرد».

*خیلی از مردم منتظر می ماندند تا اینکه نوبت ایشان برسد و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به خانه ایشان بیایند تا اینکه بهترین هدایایی که می خواهند به پیامبرشان صلی الله علیه و آله و سلم بدهند، در خانه بهترین همسرانش بدهند. رضی الله عنهم اجمعین».

أم المؤمنین سوده بنت زمعه رضی الله عنها

زنی فداکار:

امام ذهبی رحمته الله در سیر (۲۶۵/۲-۲۶۶) می فرماید:

«سوده اولین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از وفات خدیجه با او ازدواج کردند و تقریباً سه سال و شاید بیشتر تنها همسر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود تا اینکه با عایشه ازدواج کردند، سوده زنی سردار، بزرگوار و شرافتمندی بود، جسم نسبتاً بزرگی داشت، هم ایشان بود که شب نوبت خودش را به عایشه رضی الله عنها بخشید تا اینکه دل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بدست آورد....».

ویژگی سوده:

ابن قیم رحمته الله در جلاء الافهام (ص ۳۵۰) می فرماید:

«سوده در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیر شد، حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می خواستند طلاقش دهند وقتی ایشان شب نوبت خودش را به عایشه بخشید طلاقش ندادند، و این از خصوصیات ایشان است که نوبت خودش را به محبوبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخشید تا اینکه خود را به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک کند و بدینوسیله محبت خود را با ایشان اظهار دارد، و در ضمن منزلت عائشه رضی الله عنها را بیان دارد، از آن پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقتی نوبت می گذاشتند به ایشان نوبت می دادند و ایشان به این امر راضی بود، این در

واقع ایثار این مادر مؤمنان را می‌رساند که به خاطر خوشنودی رسول الله ﷺ چنین فداکاری نمود.»

أم المؤمنین حفصه بنت عمر فاروق رضی الله عنها

رقابت در محبت پیامبر:

امام ذهبی در سیر (۲/۲۲۷) می‌فرماید:

«عقیفه والامقام، دختر امیر المؤمنین ابی حفص عمر بن خطاب رضی الله عنه، رسول الله ﷺ در سال سوم هجری زمانی با ایشان ازدواج نمود که صحابی مهاجر خنیس بن حذافه سهمی ایشان را طلاق داده بود و عدتشان گذشته بود.»

عایشه رضی الله عنها می‌فرماید:

«از میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حفصه بود که با من رقابت می‌نمود.»

أم المؤمنین ام سلمه هند بنت ابی امیه رضی الله عنها

زنی فقیه و اندیشمند:

امام ذهبی در سیر (۲/۲۱۱-۲۰۳) می‌فرماید:

«سیده عقیفه طاهره از مهاجرات اول بود، و از فقهای صحابیات بشمار می‌رفت.»

مشاور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

یحیی بن ابی بکر العامری در الریاض المستطابه (ص ۳۲۴) می‌فرماید:

«او زن فاضل و بردباری بود، هم ایشان بود که در روز صلح حدیبیه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشورت داد که سرشان را تراشند و هدیشان را ذبح کنند، و هم ایشان بود که جبریل علیه السلام را به شکل دحیه کلبی دید.»

أم المؤمنین زینب بنت خزیمه هلالی رضی الله عنها

مادر مساکین:

امام ذهبی در سیر (۲/۲۱۸) می فرماید:

«او به ام المساکین شهرت داشت از بس که کار خیر انجام می داد».

ابن قیم رحمته الله (در جلاء الافهام) (ص ۳۷۶) می فرماید:

«ایشان به ام المساکین شهرت یافته بود، از بس که به مساکین کمک

می کرد، مدت کمی پیش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود، دو سه ماه بیشتر نبود که وفات نمود.

رضی الله عنها».

أم المؤمنین جویریة بنت الحارث رضی الله عنها

زنی با برکت:

ایشان ام المؤمنین و حلیله سید المرسلین صلی الله علیه و آله و سلم است، همین افتخار برای ایشان

کافی است.

ابن قیم در جلاء الافهام (ص ۳۷۶-۳۷۷) می فرماید:

«هم ایشان - رضی الله عنها - بود که مسلمانان بخاطر وی صد خانواده برده را آزاد کردند

گفتند: خویشاوندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند، این از برکت ایشان بر قومش بود».

أم المؤمنین صفیه بنت حی رضی الله عنها

زنی از تبار پیامبران:

در جامع ترمذی (۳۸۹۴) با سند صحیح از حدیث انس رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند:

«إِنَّكَ لَا بِنْتَةَ نَبِيٍّ، وَإِنْ عَمَكَ لِنَبِيٍّ وَأَنَّكَ لَتَحْتَ نَبِيٍّ».

«حقا که تو دختر پیامبری و عمویت پیامبر است، و تو همسر پیامبری».

ذهبی در سیر (۲۳۲/۲) می فرماید:

«ایشان رضی الله عنه زن عاقل و شرافتمند و دارای حُب و جمال و دین بود».

و می فرماید: (۲۳۵/۲)

«صفیه زن بردبار و با شخصیتی بود».

ابن قیم در جلاء الافهام (ص ۳۷۷) می فرماید:

«رسول الله صلی الله علیه و آله باصفیه دختر حیی ازدواج کردند، پدر صفیه حیی از نسل

هارون پسر عمران برادر حضرت موسی علیهما السلام بود».

ویژگی صفیه:

همچنین می فرماید:

«و از خصائص ایشان این است که خود رسول الله صلی الله علیه و آله ایشان را آزاد فرمود و

آزادی اش را در عوض مهر قرار داد».

انس رضی الله عنه می فرماید:

«أَمَهرها نفسها» «خود او را بجای مهر به او بخشید».

و این برای امت تا قیامت سنتی قرار گرفت که مرد می تواند آزادی کنیزش را در

عوض مهر به او ببخشد و بدینوسیله کنیزش با نکاح شرعی همسرش قرار می گیرد

چنانکه امام احمد رضی الله عنه تصریح فرموده است.

أُمُ الْمُؤْمِنِينَ أُمُّ حَبِيبَةَ رَمْلَةَ بِنْتُ أَبِي سَفْيَانَ رضی الله عنها

جایگاه ام حبیبه:

ذهبی در سیر (۲۲۲/۲) می‌فرماید: «سیده با حجاب»

همچنین می‌فرماید:

«ام حبیبه شخصیت و جایگاهی داشت بخصوص در دولت برادرش معاویه، و بخاطر حیثیتی که حضرت معاویه نزد ایشان داشت خال المؤمنین (دایی مؤمنان) لقب یافت».

ابن کثیر در البداية و النهایة (۱۶۶/۱۱) می‌فرماید:

«ایشان رضی الله عنها از سیدات امهات المؤمنین بود و در عبادت و تقوی با آنان پیشاپیش بود».

أم المؤمنین میمونه بنت حارث رضی الله عنها

پرهیزگارترین زن!:

در سیر (۲۴۴/۲) از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود:

«أما أنها من أتقانا لله وأوصلنا للرحم» «ایشان از همه‌ی ما پرهیزگارتر و در صله رحمی و ادا کردن حق خویشاوندان جلوتر بود».

و امام ذهبی (۲۳۹/۲) می‌فرماید:

«وكانت من سادات النساء» «ایشان از زنان با شخصیت بود».

أم المؤمنین زینب بنت جحش رضی الله عنها

زنی که وکیلش خداوند بود!:

در صحیح مسلم در حدیثی طولانی (۲۴۴۲) از عایشه رضی الله عنها آمده است که

فرمود:

«هم ایشان بود که در مقام و منزلت نزد رسول الله ﷺ با من رقابت می‌کرد، در دینداری، خدا ترسی، صداقت، صله رحمی، صدقه، ایثار، و خداجویی هرگز زنی بهتر از زینب ندیدم».

امام ذهبی در سیر (۲۱۱/۲) می‌فرماید:

«خداوند او را با نص کتابش بدون ولی و گواه به ازدواج پیامبر در آورد و همواره به این ویژگی بر دیگر امهات المؤمنین علیهم‌السلام افتخار می‌نمود، و می‌فرمود: به شما خانواده‌هایتان همسر داده اما به من خداوند از بالای هفت آسمان همسر داد».

[صحیح بخاری شماره ۷۴۰۲].

همچنین می‌فرماید:

«ایشان علیها‌السلام از نظر دینداری، تقوا، سخاوت، و خیر خواهی از بهترین زنان بود».

همچنین می‌فرماید: (۲۱۷/۲)

«زینب زن نیک، روزه دار، شب زنده دار و نیکوکاری بود، و به ایشان ام المساکین گفته می‌شد».

صفیه بنت عبدالمطلب عمه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

مادر زبیر حواری رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

ذهبی در سیر (۲۶۹/۲) می‌فرماید:

«صفیه عمه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دختر عبدالمطلب هاشمی، خواهر حضرت حمزه، و مادر «حواری» (دوست صمیمی) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حضرت زبیر ابن عوام رضی‌الله‌عنه بود».

همچنین می‌فرماید: (۲۷۰/۱)

«صحیح این است که از عمه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله جز ایشان کس دیگری مسلمان نشده است، بر اثر شهادت برادرش حمزه رضی الله عنه صدمه شدیدی تحمل کرد و صبر نمود و پاداشش را از خداوند طلبید، ایشان از مهاجرین اول است».

دیگر صحابیات اهل بیت رضی الله عنهن

از دیگر صحابیات اهل بیت شخصیت‌های ذیل هستند.

* زینب و رقیه و ام کلثوم. دختران پیامبر صلی الله علیه و آله.

* ام کلثوم و زینب دختران علی ابن ابی طالب که مادرشان فاطمه است.

* امامه دختر ابو العاص بین الربیع که مادرش زینب دختر رسول الله صلی الله علیه و آله

است و هم ایشان بود که رسول الله صلی الله علیه و آله در کودکی اش سر نماز او را بغل می‌کردند.

* ام هانی دختر ابو طالب بن عبدالمطلب.

* ضباعه و ام الحکم دختران زبیر بن عبدالمطلب.

در حدیثی که خود آنها روایت می‌کنند ذکر شان آمده است. حدیث در سنن أبو

داود (شماره ۲۹۸۷) است.

ضباعه همچنین راوی حدیث اشتراط در حج است که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمودند:

«قولي فإن حبسني حابس فمحلي حيث حبستني».

«بگو خدایا! اگر مانعی مرا از ادامه حجم باز داشت پس جایم همان جایی است

که تو مرا نگهداشتی».

* و امامه دختر حمزه ابن عبدالمطلب.

فصل هشتم:

ستایش بعضی علماء بر گروهی از تابعین و غیر تابعین

اهل بیت علیهم السلام

۱- محمد بن حنفیه

محمد بن علی ابن ابی طالب رضی الله عنه، مشهور به محمد بن حنفیه

شخصیتی فاضل:

ابن حبان در ثقات تابعین (۳۴۷/۵) می فرماید:

«کان من أفاضل أهل بيته» «از فاضل ترین افراد اهل بیت حضرت بود».

راوی معتمد:

در بیوگرافی ایشان در تهذیب الکمال مزى آمده است:

«احمد بن عبدالله العجلی فرمود: تابعی ثقة، تابعی معتمدی است، مرد نیکوی بود، ابراهیم بن عبدالله ابن الجنید می فرماید: کسی را نمی شناسیم که احادیث علی را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر و صحیح تر از محمد بن حنفیه روایت کرده باشد».

عالمی پرهیزگار:

و در سیر امام ذهبی (۱۱۵/۴) از اسرائیل از عبد الاعلی (بن عامر) نقل شده است که:

«محمد بن علی کنیه اش ابو القاسم بود، مرد بسیار پرهیزگاری بود و علم بسیار

داشت».

همچنین می فرماید: (۱۱۰/۴)

«سید و امام، که کنیه اش أبو القاسم و أبو عبدالله بود».

۲- علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام (امام زین العابدین)

شخصیتی والا:

ابن سعد در طبقات (۲۲۲/۵) می فرماید:

«علی بن حسین معتمد و امانت دار بود، احادیث بسیاری داشت، سندش عالی بود، شخصیت والایی داشت، و پرهیزگار بود».

ابن تیمیه در منهاج السنه (۴۸/۴) می فرماید:

«و اما علی بن حسین از نظر علم و دینداری از بهترین بزرگان تابعین بود».

عالمی فرهیخته:

و در بیوگرافی ایشان در تهذیب الکمال مزی آمده است:

«سفیان بن عینه از زهری روایت می کند که فرمود: قریشی ای بهتر از علی بن

حسین ندیدم».

همین معنا از ابو حازم و زید بن اسلم و مالک و یحیی بن سعید انصاری رحمتهم الله

علیهم اجمعین نقل شده است.

العجلی می فرماید:

«علی بن حسین تابعی مدنی معتمدی است».

عابدی محبوب:

زهری می فرماید:

«علی بن حسین از بهترین و عابدترین اهل بیتش بود. و در نزد مروان بن حکم و عبدالملک بن مروان از همه شان محبوبتر بود».

امام ذهبی در سیر (۳۸۶/۴) می فرماید:

«السید الإمام زین العابدین الهاشمي العلوي المدني».

و ابن حجر در تقریب می فرماید:

«ثقة ثبت عابد فقيه فاضل مشهور»

۳- محمد بن علی بن حسین بن علی ابن ابی طالب علیه السلام (امام باقر)

شیفته علم و دانش:

حضرت جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه از حدیث جعفر بن محمد (ابن علی بن حسین) از پدرش روایت می کند که فرمود:

«خدمت جابر بن عبدالله رسیدیم، من نو جوان بودم از هر کسی پرسید تا نوبت من رسید گفتم: من محمد بن علی بن حسین هستم اول دستش را بر سرم گذاشت، سپس گریبانم را باز کرد و دستش را بر سینه ام گذاشت و فرمود: «مرحبا بك يا ابن أخي» خوش آمدی برادرزاده! «سل عما شئت» هر چه دوست داری بپرس! گفتم از حج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرا خبر دهید...» ایشان حدیثی طولانی در باره ی چگونگی حج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان فرمود.

پاره کننده علم!:

ابن تیمیه در منهاج السنه (۵۰/۴) می فرماید:

«همچنین أبو جعفر محمد بن علی از بهترین علماء و دینداران بوده است، گفته شده که باقر به این دلیل لقب یافته که (بقرالعلم) علم را پاره کرده یا اینکه (بقر السجود جبهته) سجده پیشانی اش را پاره کرده است».

مزی در بیوگرافی ایشان در تهذیب الکمال می فرماید:

«العجلی فرمود: مدنی تابعی ثقه و ابن برقی فرمود: فقیه فاضلی بود».

شخصیتی جامع:

و ذهبی در سیر (۴۰۱/۴-۴۰۲) می فرماید:

«سید و امام ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن علی علوی و فاطمی مدنی فرزند زین العابدین، یکی از کسانی بود که علم و عمل و سیادت و شرافت و اعتماد و پاکدامنی را یکجا داشت، و برای خلافت اهلیت داشت، ایشان یکی از دوازده امامی است که شیعیان امامی احترام فوق العاده‌ای به آنان قائل هستند، و آنان را معصوم! و عالم به همه دین می‌پندارند؛ در حالی که جز فرشتگان و پیامبران کسی معصوم نیست و همه جایز الخطاء هستند و سخن هر کس قابل پذیرش و رد است جز پیامبر صلی الله علیه و آله، زیرا ایشان معصوم و مؤید بالوحی هستند، أبو جعفر به باقر شهرت یافت از بقر العلم بمعنی شق کردن علم، که ظاهر و باطن آن را شناخت. ایشان امام مجتهد و بزرگواری بود که قرآن کریم را زیاد تلاوت می‌کرد...».

همچنین می فرماید: (ص ۴۰۳)

«امام نسائی و غیره ایشان را از فقهای تابعین در مدینه شمرده‌اند، حفاظ حدیث بر احتجاج به ابو جعفر اتفاق دارند».

۴- جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (امام صادق)

بزرگواری صادق:

امام ابن تیمیه در منهاج السنه (۵۲/۴-۵۳) می‌فرماید:

«جعفر صادق علیه السلام از بهترین علماء و دینداران بود.»

عمرو بن ابو مقدم می‌فرماید:

«من هر گاه به چهره جعفر بن محمد نگاه می‌کردم می‌دانستم که او از سلاله

پیامبران است.»

استاد علماء:

ایشان (ابن تیمیه) در رساله خود در فضل اهل بیت و حقوق آنان (ص ۳۵)

می‌فرماید:

«شیخ علماء الأمة، یعنی امام صادق استاد علمای امت بود.»

و امام ذهبی در سیر (۲۵۵/۶) می‌فرماید:

«امام صادق شیخ بنی‌هاشم، ابو عبدالله قریشی هاشمی علوی نبوی مدنی،

یکی از شخصیتها بود.»

همچنین از ایشان و پدرشان می‌فرماید:

«وکانا من أجلة علماء المدينة» «آنها از بزرگان علمای مدینه بودند.»

فقیه مدینه:

و در تذکرة الحفاظ (۱۵۰/۱) می‌فرماید:

«امام شافعی و یحیی بن معین او را توثیق کرده‌اند، و از امام ابو حنیفه روایت

است که فرمود: از جعفر بن محمد فقیه‌تر ندیدم، و ابو حاتم می‌فرماید: ثقه است، و

درباره امثال او نباید سوال شود.»

زیباترین جوان قریش:

ابن سعد در طبقات (۳۱۳/۵) می‌فرماید:

«علی ابن عبدالله بن عباس از همه فرزندان پدرش کوچکتر بود، او خوش سیماترین جوان قریشی در روی زمین بود، بسیار نماز گذار بود، و از بس که عبادت می‌کرد به او سجاد گفته می‌شد».

همچنین در (ص ۳۱۴) می‌فرماید:

«ایشان معتمد است اما حدیث کمی روایت کرده است».

و در تهذیب الکمال مزی آمده است:

«العجلی و أبو زرعه می‌فرماید: ثقه است و عمر بن علی می‌فرماید: از بهترین مردم بود، و ابن حبان او را جزو راویان ثقه و معتمد به شمار آورده است».

عالمی با عمل:

امام ذهبی در سیر (۲۵۲/۵) می‌فرماید:

«امام سید أبو الخلائف ابو محمد هاشمی سجاد علیه السلام عالم و عامل و خوش قیافه و خوش سیما و بلند قد و با شخصیت بود».

فصل نهم:

مقایسه بین عقیده اهل سنت با دیگران پیرامون اهل بیت اهل سنت

از آنچه گذشت روشن شد که عقیده اهل سنت و جماعت در اهل بیت پیامبر ﷺ عقیده متوسط و معتدل بین افراط و تفریط است.

اهل سنت همه آنها را دوست می‌دارند، و با همه محبت دارند، به هیچکس جفا نمی‌کنند، و در باره‌ی هیچکس غلو نمی‌کنند، کما اینکه همه صحابه را نیز دوست می‌دارند، و بدین ترتیب با همه اهل صحبت و قرابت حضرتش ﷺ دوستی و محبت می‌ورزند.

دیگران:

برخلاف بعضی مدعیان محبت اهل بیت که در باره‌ی بعضی اهل بیت غلو می‌کنند و در باره‌ی بقیه اهل بیت و تقریباً تمام صحابه ﷺ اجماعین جفا و بی‌مهری نشان می‌دهند و بخصوص به بزرگان صحابه اهانت می‌کنند.

نمونه‌ای از غلو و افراط:

از نمونه‌های غلو و افراطشان در باره‌ی دوازده امام اهل بیت که علی و حسن و حسین ﷺ و نه نفر دیگر از اولاد حسین هستند بخشهایی از کتاب اصول کافی از محمد ابن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ هـ) را ملاحظه فرمائید.

عناوین چند باب کتاب کافی:

*باب در باره‌ی اینکه امامان علیهم السلام خلفای خدا در زمینش و دروازه‌های اویند که از آن دروازه‌ها باید نزد خدا وارد شد. (۱۹۳/۱).

*باب در باره‌ی اینکه امامان علیهم السلام همان علاماتی هستند که خداوند در کتابش ذکر کرده است (۲۰۶/۱) و در این باب سه حدیث منسوب به آنان وارد شده که آیه کریمه:

﴿وَعَلَّمَتِ وَبِالْتَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [النحل: ۱۶]. را تفسیر می‌کند به اینکه نجم: رسول الله صلی الله علیه و آله و علامات: ائمه هستند.

*باب در باره‌ی اینکه امامان علیهم السلام نور خدایند (۱۹۴/۱).

«و مشتمل بر چند حدیث منسوب به آنان است، از جمله حدیثی که گویا به امام جعفر صادق می‌رسد که در تفسیر آیه کریمه: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ [النور: ۳۵]. - آنطوری که مدعی هستند- فرمود:

﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ﴾ فاطمه علیها السلام ﴿فِيهَا مِصْبَاحٌ﴾ حسن ﴿الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ﴾ حسین ﴿الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ فاصله کوكب دری در بین زنان دنیا است ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبْرَكَةٍ﴾ ابراهیم علیه السلام ﴿زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ نه یهودی و نه نصرانی ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ﴾ نزدیک است علم از او فواره کند ﴿وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ﴾ امام بعد از امام ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ﴾ خداوند هر کس را بخواهد به راه ائمه هدایت می‌کند...».

*باب در باره‌ی اینکه آیاتی که خداوند در کتابش ذکر کرده همان امامان هستند (۲۰۷/۱) و در این باب آیه کریمه:

﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالذُّرُّ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [یونس: ۱۰۱]. را تفسیر کرده‌اند که منظور از آیات امامان هستند.

و در تفسیر آیه کریمه: ﴿كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُفَّهَا﴾ [القمر: ۴۲]. مدعی شده‌اند که منظور آیات (الاصیاء کلهم = همه اوصیاء مرادند).

باب در باره‌ی اینکه:

﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳ والانبیاء: ۷].

اهل ذکر که خداوند به مردم دستور داده که هر چه نمی‌دانستند از آنان پرسند امامان علیهم‌السلام هستند. (۲۱۰/۱).

*باب در باره‌ی اینکه قرآن بسوی امام هدایت می‌کند! (۲۱۶/۱) و در این باب مدعی‌اند که تفسیر آیه کریمه:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ [الإسراء: ۹].

چنین است که یهدی الی الامام !!

همچنین آیه کریمه: ﴿وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ [النساء: ۳۳].

منظورش امامان است که خداوند بوسیله آنان قسم‌های شما را منعقد کرده است.

*باب در باره‌ی اینکه نعمتی که خداوند در قرآن کریم ذکر فرموده امامان علیهم‌السلام هستند (۲۱۷/۱) در این باب آیه کریمه:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾ [ابراهیم: ۲۸].

(ابراهیم: ۲۸) چنین تفسیر شده است که گویا علی علیه‌السلام فرمودند:

«ما هستیم که خداوند بوسیله ما نعمت خودش را بر بندگان تمام کرده است، و هر کس بخواهد در روز قیامت رستگار شود بوسیله ما باید رستگار شود.»

همچنین آیه کریمه سوره رحمن را چنین تفسیر کرده‌اند که ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾.

«آیا پیامبر را تکذیب می‌کنید یا وصی را».

*باب در باره‌ی اینکه اعمال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام عرضه می‌شود. (۲۱۹/۱).

*باب در باره‌ی اینکه ائمه علیهم السلام همه کتابهایی که از نزد خداوند نازل شده را در اختیار دارند و آنها همه آن کتابها را به هر زبانی که باشد می‌دانند. (۲۲۷/۱).

*باب در باره‌ی اینکه همه قرآن را هیچ کسی جز امامان علیهم السلام جمع نکرده است و آنها همه علم آن را می‌دانند. (۲۲۸/۱).

*باب در باره‌ی اینکه امامان همه علمی که به فرشتگان و پیامبران و رسولان علیهم السلام داده شده بود همه آن را می‌دانند. (۲۵۵/۱).

*باب در باره‌ی اینکه امامان علیهم السلام می‌دانند کی می‌میرند و جز با اختیار خودشان نمی‌میرند (۲۵۸/۱).

*باب در باره‌ی اینکه امامان علیهم السلام علم گذشته و آینده را می‌دانند و هیچ چیزی بر آنان پوشیده نمی‌ماند صلوات الله علیهم. (۲۶۰/۱).

*باب در باره‌ی اینکه خداوند عزوجل هیچ علمی را به پیامبرش نیاموخته مگر اینکه به او دستور داده که آن را به امیر المؤمنین بیاموزد و اینکه امیر المؤمنین در علم با حضرتش شریک بوده است. (۲۶۳/۱).

*باب در باره‌ی اینکه هیچ چیز از حق در دست مردم نیست مگر آنچه که از امامان علیهم السلام خارج شده است و اینکه هر چیزی که از امامان خارج نشده باشد باطل است. (۲۹۹/۱).

این ابواب هر کدام مشتمل بر چند حدیث است که آن را از اصول کافی چاپ (نشر مکتبه الصدوق) تهران ۱۳۸۱ هـ انتخاب کردم.

این کتاب اگر نگوئیم مهم‌ترین می‌توان گفت از مهمترین کتابهایشان است در مقدمه کتاب ستایش زیادی از کتاب و مؤلف آن شده است.

غلو و افراط علمای معاصر:

آنچه در اینجا نقل کردیم نمونه‌ای از غلو و افراط علمای گذشته‌شان بود و اما درباره‌ی ائمه را می‌توان از قول یکی از شخصیت‌های معاصرشان درک کرد.

ایشان در کتابش (الحکومة الاسلامة) ص ۵۲ از منشورات المکتبه الاسلامیه

الکبری تهران می‌نویسد:

«و ثبوت ولایت و حاکمیت برای امام (ع) معنایش این نیست که او را از منزلتی که نزد خدا دارد جدا کنی و او را مثل بقیه حاکمان قرار دهی، زیرا امام مقام محمود و درجه بلند و خلافت تکوینی‌ای دارد که تمام ذرات جهان زیر تصرف ولایت و سیطره اوست، و از ضروریات مذهب ما این است که: ائمه ما مقامی دارند که هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسلی به آن نمی‌رسد!! و بنابر روایات و احادیثی که ما در اختیار داریم رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام قبل از این عالم انواری بودند که خداوند آنها را به گرد عرش خود حلقه وار قرار داد. و مقام و منزلتی برای آنان در نظر گرفت که غیر از خدا کسی آن را نمی‌داند، چنانکه در روایت معراج آمده که جبریل گفت: اگر يك بند انگشت جلو روم می‌سوزم، اما از آنها (علیهم السلام) ثابت شده که فرموده‌اند: ما با خدا حالاتی داریم که هیچ فرشته مقرب و هیچ پیامبر مرسلی نمی‌تواند آن را تحمل کند!!».

وقتی انسان چنین سخنانی را می‌بیند یا می‌شنود بی اختیار می‌گوید:

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ﴾ [آل عمران: ۸].

«پرودگارا! دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی (از حق) مگردان و به ما از
نزد خود بخششی ارزانی دار. به راستی (که) بخشنده حقیقی فقط تویی».

کسی که کمترین دانش و بصیرتی داشته باشد مطمئناً درک خواهد کرد که آنچه
در باره‌ی امامان نقل کردیم و امثال اینها، دروغ و افتراء بر ائمه است و آنها از کسانی
که در باره‌ی آنان غلو می‌کنند، و همچنین از غلو و افراط‌شان بیزارند.

فصل دهم:

حرام بودن اینکه کسی خود را به دروغ به اهل بیت نسبت دهد

شریف‌ترین نسب، نسب پیامبرمان حضرت محمد ﷺ است، و بدون شك بسیار جای افتخار است که کسی حقیقتاً به ایشان و اهل بیت شان منسوب باشد، در میان عرب و عجم زیادند کسانی که خود را به اهل بیت نسبت می‌دهند. اگر کسی مؤمن باشد و از اهل بیت، براستی که خداوند دو افتخار نصیبش کرده، افتخار ایمان و افتخار نسب شریف.

اما اگر کسی خود را به این نسب شریف منسوب کند و از اهل آن نباشد مرتکب کار حرامی شده است و ادعای چیزی را کرده است که از داشتن آن محروم است.

یک مثال جالب!

پیامبر گرامی ﷺ فرمودند:

«الْمُتَشَبِعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورٍ».

«هر کس به چیزی افتخار کند که به او داده نشده مثل کسی است که لباس کس دیگری را پوشیده و به دروغ وانمود می‌کند که لباس مال خود اوست».

حدیث از صحیح مسلم (۲۱۲۹) با روایت حضرت عایشه رضی الله عنها است.

دروغگوی دوزخی!

در احادیث صحیح حرمت اینکه انسان خود را به غیر نسب و فامیل خودش نسبت دهد آشکارا بیان شده است، از جمله حدیث أبوذر رضی الله عنه که از پیامبر ﷺ شنید که می‌فرمودند:

«لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ ادَّعَى لِغَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُهُ إِلَّا كَفَرَ، وَمَنْ ادَّعَى قَوْمًا لَيْسَ لَهُ فِيهِمْ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

بروایت بخاری (۳۵۰۸) و مسلم (۱۱۲) و لفظ از بخاری است.

«هیچ شخصی نیست که دانسته خودش را به غیر پدرش نسبت دهد مگر اینکه به خدا کافر می‌شود. و هر کس خود را به قوم و قبیله‌ای نسبت دهد که با آنان نسبت نسبی ندارد باید جایگاه خودش را در دوزخ آماده کند».

بزرگترین دروغ!

در صحیح بخاری (۳۵۰۹) از حدیث واثله بن اسقع رضی الله عنه آمده که می‌فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْفِرَى أَنْ يَدَّعَى الرَّجُلُ إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ، أَوْ يُرَى عَيْنَهُ مَا لَمْ تَرَ، أَوْ يَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَمْ يَقُلْ».

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: از بزرگترین دروغها این است که کسی خودش را به غیر پدرش نسبت دهد، یا ادعای دیدن خوابی را بکند که ندیده است، یا حدیثی را به رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت دهد که ایشان نفرموده‌اند».

در مجموع فتاوی شیخ الاسلام رحمته الله (۹۳/۳۱) آمده است که آنچه بر اهل بیت یا اشراف وقف می‌شود هیچکس حق ندارد از آن سهم بگیرد مگر کسیکه نسبت به اهل بیت ثابت شود.

یک پرسش؟

همچنین از ایشان در باره‌ی وقف اشراف سؤال شد آنچه که برای اهل بیت وقف می‌شود، و اینکه می‌گویند آنها خویشاوند هستند، آیا خویشاوندان اهل بیت اشراف هستند یاخیر و آیا آنها می‌توانند از وقف استفاده کنند یا نه؟

پاسخ آن

می فرماید: «بعد از حمد و ثنا، اگر وقف بر اهل بیت پیامبر ﷺ یا بعضی اهل بیت باشد مانند علویها فاطمیها و یا طالبیها که اولاد جعفر و اولاد عقیل را شامل می شود یا عباسیها و غیره، در این صورت جز کسی که نسبش بدرستی ثابت شود کس دیگری حقدار نیست، اگر کسی ادعا کند که از آنها است و ثابت نشود، یا تشخیص داده شود که از آنها نیست در وقف سهم ندارد، حتی اگر ادعا کند که از آنها است مانند خاندان عبدالله بن میمون القلاح، زیرا علماء انساب می دانند که اینها نسب درستی ندارند و بسیاری از علمای فقه و حدیث و کلام و انساب به این امر گواهی داده اند، و حتی در دادگاههای شرعی ثابت شده است، این امر در بسیاری از کتب مسلمین درج است و در نزد علماء به تواتر رسیده است.

همچنین اگر کسی بر اشراف وقف کند، زیرا در عرف و اصطلاح این لفظ (اشراف) اطلاق نمی شود مگر بر کسی که نسب صحیح از اهل بیت پیامبر ﷺ داشته باشد.

و اما اگر کسی چیزی را بر بنی فلان یا اقارب فلان و غیره وقف کند، و در وقف اشاره و علامتی نباشد که منظورش اهل بیت پیامبر ﷺ است، و وقف کننده حقیقتاً مالک آن باشد و وقفش بر خاندان شخص معین جایز است، و بنی هاشم در چنین وقفی داخل نمی شوند.

سخن آخر

تا اینجا این رساله‌ی کوتاه در فضایل اهل بیت و مکانت و منزلت والای آنان از دیدگاه اهل سنت و جماعت پایان رسید، از خداوند در آنچه خوشنودی اوست توفیق می‌طلبم، و اینکه دانش در دین و ثبات و استقامت بر حق عنایت فرماید، براستی که او شنوای اجابت کننده است.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین.

مترجم نیز برای خودش و سایر مسلمین توفیق استقامت بر حق و صراط مستقیم و دانش در دین و پذیرش حق - حتی اگر از مخالفش باشد- را خواستار است و از شما خواننده عزیز آرزوی دعای خیر دارد.

دهم ربیع الاول - ۱۴۲۳ قمری- در مسجد نبوی مدینه طیبه.

علی صاحبها أفضل الصلاة وأتم التسليم.

پایان